

ارگان کمیته خارج زکشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول مهرماه ۱۳۶۶

تحولات جنگ و نقش امپریالیسم در خلیج

یک دورکا مل از فعالینهای دیپلماتیک و نظامی برای تغییر وضعیت جنگ ایران و عراق، از زوایای مختلف و به دلایل گوناگون، صورت گرفته است، تحت تاثیر این تحولات، اوضاع منطقه و جنگ چهره تازه‌ای بخود گرفته است.

به خلاصه‌ترین کلام همه مسائل و سوالات در مورد وضعیت کنونی جنگ ناشی از دو مشخصه تازه این جنگ ارتجاعی هفت ساله است، این دو مشخصه عبارتند از: ۱- تبدیل شدن بحران خلیج به گامی از دوام ملی جنگ، ۲- فعال شدن تحرکات دیپلماتیک در سطح بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ، اما مسئله سیاست جنگ، جنگ تا پیروزی! از جانب رژیم فقیها و امتناع آن از پذیرش آتش‌بس و در همان حال ناتوانی آن در پیشبرد این سیاست، عراق را وا - بقیه در صفحه ۲

هفته مخالفت با جنگ ایران و عراق

در صفحه ۴

روش فعالیت در کانونهای دموکراتیک را اصلاح کنیم

یکی از مشکلات اصلی کانونهای پناهندگی و بطور کلی کانونهای دموکراتیک برای جلب و فعال کردن توده‌های مهاجرو بیست نفوذ خود در میانه آنها نداشتن یک سیاست عملی روشن و روش‌های واضح و هدفمند است. این یک واقعیت بدیهی است که کانونهای موجود هنوز تشکل واقعی پناهندگان نبوده و بیشتر به هسته‌های اولیه چنین تشکلی شبیه هستند. با شاید بهتر باشد بسیاری از آنها را کمیسیون‌ها یا کمیته‌ها که سازماندهی یک تشکیلات صنفی - توده‌ای پناهندگان را در دستور کارشان قرار داده‌اند. این در حال لیست که زمینه‌های کار در بقیه در صفحه ۳

آلمان فدرال:

جنبش طبقه کارگر علیه بیکاری

نظرات اعتراضی اتحادیه فلزکاران آلمان فدرال در شهر اسن (در تاریخ ۱۵ سپتامبر) که با شرکت دهها هزار نفر برگزار شد، بار دیگر مسئله بحران صنایع ذغال سنگ، فولاد و کشتی سازی این کشور را در مرکز توجه قرار داد. بحران ساختی زمینی که نزدیک به دودهم تقریباً کلیه کشورهای بزرگ سرمایه‌داری را فرا گرفته است، در کشور آلمان فدرال به این دلیل ابداً دوسیم دار درگاه است. کشورش را قتمادی بعد از جنگ خود را تا حد زیادی مرهون صنایع سنگین و بویژه صنایع ذغال سنگ، فولاد و کشتی سازی می‌باشد و این صنایع در - بقیه در صفحه ۱۲

نمیتوان "چپ" بود ضد توده‌ای نبود!

در صفحه ۵

زندگی و مبارزات پناهندگان

- سوئد - استکهلم:
- اعتصاب غذا برای حمایت از پناهندگان و آوارگان ایرانی در صفحه ۹
- تایلند - بانکوک:
- اعتصاب غذای خشک در مقابل نمایندگی سازمان ملل در صفحه ۹
- آلمان فدرال - برلین غربی
- برگزاری روز پناهنده در صفحه ۹
- برگزاری سمینار سراسری کانون‌های پناهندگی در صفحه ۸

اعتراض عفو بین الملل به عدم پاسخگویی فقیها

در صفحه ۱۶

خود سوزی يك ایرانی



آمریکا - لس آنجلس

نیونافرهای هوادار سازمان چریکی فدائیان خلق ایران در جریان تظاهرات ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷ علیه سفر خاتمه‌ای جنایتکار رئیس‌جمهور رژیم فقیها به سازمان ملل خود را آتش زد.

در صفحه ۶

تحولات جنگ و نقش امیرالایسم در خلیج

داشت تا با تکیه بر برتری هوایی به بمباران نفتکشها و تاسیسات نفتی بپردازد و جنگ را بیش از پیش به خلیج بکشد تا بر حلقه جمهوری اسلامی فشار آورد.

حولات انتقالی رژیم فقها به کوییت و سایریرین برای اعمال فشار بر عراق و دعوت کوییتیهها از کشورهای بزرگ برای حمایت از آن و حضور نظامی گسترده امیرالایسم و در آن آمریکا در خلیج، صحنه جنگ را تغییر داد. این جبهه جدید برای رژیم اسلامی که در جنگ مستقیم در جبهه‌های زمینی به بن بست رسیده بود، یک درماندگی مضاعف را ایجاد کرد. چرا که نه توان مقابله جدی در این صحنه را داره و نه مسدود شدن این شریان حیاتی به نفع آن است.

از سوی دیگر بدنبال یک تفاهم اولیه بین کشورهای اصلی شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد فعالیت برای پایان دادن به جنگ، که منجر به صدور قطعنامه ۵۹۸ این شورا گردید، فشار بین المللی زیادی بر رژیم جمهوری اسلامی وارد ساخت.

اجلاس کشورهای اتحادیه عرب نیز اگرچه به تصمیم عملی دست نیافت اما ژست انعطافناپذیر در مورد رژیم فقها اتخاذ کرد، مجموعه این عوامل عرصه فعالیت دیپلماتیک را بصورت تنها مفر در مقابل رژیم اسلامی نهاد. هدف کلی رژیم از این فعالیت شکستن توافق اعطاء شورای امنیت بود، زیرا علی‌رغم این نتوالق برای خاتمه جنگ، در مورد نحوه اعمال این سیاست و اهداف ایسن سیاست بین کشورهای اصلی شورای امنیت، خصوصاً اتحاد شوروی و آمریکا، شکاف پدیدار شد. اختلاف نظر در میان امیرالایسم و فقها نیز با جانبداری آلمان فدرال از سیاست "محاطا نه" و عدم فشار بر فقها و متنازع آنها از دخالت نظامی در خلیج نمایان گردید، در میان سایر دول اروپائی و آمریکا در این مورد کشمکش وجود داشته و هنوز هم دارد، اما اقلب این کشورها به سیاست مدخله نظامی آمریکا در خلیج گسردن نهاده و هر یک به سهم خود در آن شرکت نمودند. امیرالایسم آمریکا که موقعیت را برای دخالت همه جانبه خود در منطقه مساعد دیده بود با تمام قوا بر سیاست اعمال فشار نظامی پای فشرد. آمریکا از سوئی می‌خواهد با تشبیت حضور خود نقش "ژاندارم" را در غرب یک دولت مقتدر دست‌نشانده در منطقه مستقیماً بر عهده بگیرد و با حفظ منافع خود و حمایت از دول عربی وابسته افتتاح ایران گیت را جبران کند از سوی دیگر با قدرت نمائی نظامی و گوشمالی دادن به فقها، در وضعیتی که از "شوروی ستیزی" آنها علی‌رغم گرمی روابط مقطعی شان بسا شوروی مطمئن است، برای قبولاندن شرایط خود هر چه بیشتر فشار آورد، اتحاد شوروی به فاصله

کوتاهی بعد از پذیرش حمایت مستقیم از کشتیهای کوییتی، متوجه عواقب حضور نظامی امیرالایسم شد. بنا بر این خواهان مداخله بین المللی در خلیج از سوی سازمان ملل و بکارگیری اهرمهای دیپلماتیک برای فشار جهت خاتمه دادن به جنگ شد. به هر صورت این مجموعه فعل و انفعالات و اختلافات باعث شد که روند فشار شورای امنیت بر رژیم فقها که بعد از عدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران می‌بایست منجر به تحریم ارسال سلاح به فقها می‌شد، برای کشورهای اتحاد شوروی، فرانسه، آلمان و چین مبسوطی بر به تعویق افتادن این طرح، روال دیگری یابد.

در بطن شرایط و اوضاع برآمده ناشی از بن بست جنگ و بحران خلیج، رژیم فقها فعالیت دیپلماتیک خود را برای رهایی از حلقه محاصره انجام داده است. آنها با پیش و پس کردن شرایط خود برای پایان دادن به جنگ به زعم خود ما نورهائی مهمی در صحنه دیپلماتیک انجام داده اند. فقها می‌خواهند با بهره‌گیری از شکاف ذکر شده بین کشورهای مختلف و با کاتالیزه کردن فشارها به شکل گفتگو و غیره، از حدت آن کاسته و با جلوگیری از اوج‌گیری بحران در خلیج وضع را بصورت سابق، که همانا ادامه جنگ در جبهه زمینی و به ابتکار آلمان است، در آورند. اما در شرایط بحرانی و بسیار خطرناک خلیج، علی‌رغم اختلافات بین آمریکا و شوروی سیاست وقت کشی جمهوری ایلامی نمی‌تواند گره گشای مشکلات آن باشد.

آنچه که در جوار بر بررسی تحولات جنگ و روشن نمودن موقعیت ضعیف و بین بستهای رژیم فقها اهمیت دارد، عواقب تداوم جنگ و گشوده شدن دامنه آن به خلیج و منطقه‌ای شدن آن است. این امر مساوی با حضور گسترده نظامی امیرالایسم و در آن آن آمریکا در خلیج است. این چیزی جز ادامه منطقه‌ای گسترش چنین جنگی نبوده است. در حال حاضر ۲۹ فرزند کشتی نظامی دول امیرالایسمی در خلیج و محدود آن مستقر شده اند که از آن میان ۴۲ فرزند مل سنا و هواپیما بر متعلق به آمریکا است. این با زوری سرکوب امیرالایسم که متعاقب سیاست جنگ افروزان فقها، امکان حضور در منطقه را یافته، نه تنها امروز حرکت آزادبخش را تهدید می‌کند بلکه بعنوان نیروی مقابله با انقلاب فردای ایران خواهد بود. چنین حضور گسترده امیرالایسمی تنها در جهت خدمت به ارتجاع منطقه و منافع امیرالایسم است و در این راستا بکار گرفته می‌شود. در این میان رژیم فقها که واسطه حضور نیروی نظامی سرکوبگر امیرالایسم در منطقه گردیده و راه را برای سیاستهای نیلیت‌پرستی آمریکا گشوده، خود در برابر آن عاجز و درمانده گردیده است.

برای مقابله با بهره‌برداری فدا نقلاسی امیرالایسم و در آن آمریکا از سیاست تداوم جنگ فقها و بحران ناشی از آن در خلیج فارس، همه نیروهای مترقی و در رأس آن کمونیستها می‌بایست هوشیار باشند. ما وظیفه داریم تا با افشاء اهداف امیرالایسم و روشن نمودن عامل حضور امیرالایسم، یعنی رژیم فقها و سیاست جنگ افروزان، وهم چنین عجز و ممانعت رژیم اسلامی در این مورد، توده‌های وسیع را آگاه نموده و برای مقابله بسیج نمائیم.

در موقعیت کنونی خصوصاً در خارج از کشور باید دو شعاع تحریم تسلیحاتی ایران و خروج نیروهای نظامی از خلیج فارس را وسیع‌بکار گیریم.



با چدهی دولت آلمان غربی به تروریسم اسلامی

اخیراً پس از ماهها فعالیت دیپلماتیک و از جمله مراجعات مکرر به دولت‌های جمهوری اسلامی و سوریه یکی از دو گروهگان آلمانی که توسط عمال جمهوری اسلامی در بیروت ربوده شده بودند، آزاد شد. آزاد دی وی ظاهراً با "وساطت جمهوری اسلامی و تحت فشار دولت سوریه که روابط خوبی با حزب الله لبنان ندارد صورت گرفته و از زمان آغاز دولت آلمان هرگونه معامله و امتیاز دهی "غیرا مولی" از سوی خود را در این ماجرا انکار نمود، اما آنطور که از شواهد امر بر می‌آید، این دولت قول داده است که دو تبهکار حزب اللهی را که اکنون در آلمان زندانی هستند پس از طی مراحل قانونی محاکمه و اخراج یعنی آزاد کنند تا بدین وسیله هم امتیازی به تروریسم نداشته باشد و هم طبق قانون رفتار کرده باشد. علاوه بر طبق اطلاعاتی که از نشریات معتبر لبنانی نقل شده است، دولت آلمان با پرداخت مبلغ ۵ میلیون مارک برای آزادی یکی از گروهگانها و اظهار آمادگی برای پرداخت پول در ازای آزادی گروهگان دیگر، علاوه بر معامله رسمی با تروریسم و وابسته به جمهوری اسلامی پرداخته است. بر طبق اظهارات مناسبتی فلسطینی، اکنون روابط کاملاً حسنه‌ای بین دولت آلمان و حزب الله لبنان وجود دارد. در باره عمر این روابط و انگیزه‌های واقعی طرفین هنوز اطلاعاتی زیاد در دست نیست اما عوامل فریبی و ریاکاری دولت آلمان که بخوبی خود را در باج دهی و معامله با حزب الله نشان می‌دهد، یکبار دیگر بوی ادعای دیگری طلبی و مبارزه با تروریسم این دولت‌ها را آشکار می‌کند.

روش فعالیت در گان‌ونهای دموکراتیک را

اصلاح کنیم

ها را تشکیل می‌دهد، و خط هدایت‌کننده آمیزه‌ای است از گرایش‌ات گوناگون. یکی از این گرایش‌ات که در واقع نقش موثری در منزوی کردن شکل‌ها بر عهده‌دار دیگرانیشی است که توانا گان‌ونها را مصروف اقدامات لحظه‌ای کرده، سمت حرکت شکل را از کار مستمر و پایداری در میان پناهندگان، منحرف می‌کند. از نقطه نظر این گرایش‌ها رواقعی عبارت است از زنجیره‌ای از اقدامات تبلیغی پرسروصدا، برپا کردن آکسیون‌های افشاء رژیم، دفاع از زندان‌ها، سیاهی و اقدامات ضد جنگ، اشتبسه نگردانیم هرگاه ادعا کنیم، انگیزه تشکیل بسیاری از گان‌ونها و انجمن‌های موجود فقط محلی برای سازمان‌دهی چنین اقداماتی بوده است. کارنامه بسیاری از این شکل‌ها بخوبی این ادعا را ثابت می‌کند. اقدامات مربوط به کار توده‌ای - صفی در میان مهاجرین و حتی کار تبلیغی سازمان‌نگر در میان نیروهای خارجی برای جلب حمایت سیاست‌های و مادی‌شان تا چیز است. در عوض لیست بلندی از آکسیون‌های افشاگر جای آن را گرفته است. خصوصیات و نحوه‌ها مشخصات این گان‌وها نیز بسیار قابل است. تنها در یک دوره و در هنگام تدارک و اجرای اقدامات دیده می‌شود که ناگهان همه فعالین عرق ریز به این سو و آن سو می‌روند و در مجمع عمومی بحث‌های داغی درگیر می‌شود. بسا شور و شوق کمیته‌های اجرائی متفاوتی شکل می‌گیرد، اعلامیه‌هایی در سطح شهر پراکنده می‌شود، و سپس با پایان گرفتن آکسیون، همه چیز آرام می‌گیرد، و روخت و بی‌عملی برای مدت طولانی، یعنی تا اقدام بعدی که تا رینشان معلوم است و وابسته به تحولات و حوادث سیاسی است، بجای آن می‌نشینند. البته در پایان هر عمل نشستی به منظور جمع‌بندی نقاط ضعف و قوت تشکیل می‌گردد که در اغلب آنها یک نتیجه‌گیری بعنوان ضعف عمده استنتاج می‌شود: "بدلیل ضعف تبلیغات برنام‌ها استقبال رو بر نداشتند!" در واقع آنچه مورد نقد قرار می‌گیرد با زهم تبلیغات است و این جمع‌بندی از نقطه نظر دیدگاهی که "تبلیغ" را عامل اصلی کشاندن توده‌ها به صحنه میدان‌ها ملامت‌ناپذیر است. چرا که تمام پیش‌فرض‌ها برای این ارزیابی قرار داده شده اند که مردم مطلع نشدند، اگر ما موضوع را بگوششان می‌رسانیم حتماً آنها به میدان می‌آیند و بی‌سسه نظرات ما می‌پسوندند، ولی آیا واقعاً مهاجرین بی‌خبر از وضع ایران هستند. آیا آنها از عواقب و آثار جنگی که بر کشورشان و مردم می‌رود بی‌اطلاع‌اند آیا غیراً از اینست که اکثریت آنها بخاطر فشارهای ناشی از جنگ به‌دینا رغبت مهاجرت کرده‌اند؟ پس دلیل آن چیست که در آکسیون‌های ضد جنگ کسه

میان پناهندگان مساعد است، و تفا‌میان درجه رشدنیافتگی گان‌ونها و آمادگی توده‌های مهاجر در روزنامه‌ها یا ترمی‌گردد، قانع نبودن به وضع موجود و نقد و بررسی تجارت‌ها تا کنونی که در نشست‌های مشترک گان‌ونها مبادله می‌شود و همچنین نقشه‌ها ایجاد یک تشکیلات سراسری و کوشش‌هایی که برای هماهنگ کردن گان‌ونها در آلمان شروع شده است، و انگیزی است به ضرورت‌های عملی مبارزه پناهندگان در آلمان که طی‌ها‌های اخیر تگان‌های جدی خورده است. بنا بر این، این حرکتی است درست که بی‌شک به جنبش دموکراتیک خارج از کشور تحرکی تازه خواهد بخشید. اما باید توجه داشت که با شیم نقطه ضعف جنبش دموکراتیک خارج از کشور در برپا کردن گان‌ونها از یکدیگر نبودن و این خود معلول انحرافات سکتاریستی معینی می‌باشد. و هرگاه دکوشش‌های موجود برای برپا کردن یک تشکیلات سراسری با عیبت انحراف از معضل اصلی خود باشد این خود نیز به‌عنوان مل زدا رنده دیگری بر سر راه توده‌های شدن گان‌ونها تبدیل خواهد شد. در واقع اگر بر سر این واقعیت توافق با شکه گان‌ونها موجود هنوز در میان پناهندگان استقرار نیافته اند و تنها بخش کوچکی از پناهندگان را نمایندگی می‌کنند، جمع‌شدن آنها در یک تشکیلات سراسری، چیزی جز جمع نقطه‌ضعف‌های موجود نخواهد بود. یک تشکیلات سراسری نیرومند، تشکیلاتی است متکی بر واحدهای پرنفوذ محلی، در غیر این صورت، سقف سنگینی است بر پناهندگان که می‌تواند باعث شکست شدن آنها نیز بشود. زیرا در شرایط فقدان یک پایه نیرومند توده‌ای، و به خصوص وجود بی‌ورکراسی در بخش بزرگی از واحدهای محلی، تشکیلات سراسری با وجود آنکه در کوتاه مدت تحرکی به فعالیت خواهد داد و شور و شوقی در میان فعالین بوجود خواهد آورد ولی بی‌ورکراسی و واحدهای جنبه‌های منفی به معنای مخالفت با این نقشه نیست و ما خود در مقالات قبلی پیام‌کارگر این ایده را مطرح کرده‌ایم. بحث بر سر اینست که زهم‌کنش در برپا نشدن تشکیلات در کنار این تلاش‌ها امکان رشد بیشتری پیدا می‌کند یا بستیم و نگذا ریم نقطه ضعف‌های اصلی فعالیت‌ها را زیر پوشش این فعالیت‌ها پنهان بماند. و از زهم مهم‌تر انحرافات موجود به سطح یک تشکیلات بزرگتر تعمیم‌یاب‌د زیرا در آن صورت گان‌ونها به آتش‌ورانی از امروز و عواقب منفی آن به مراتب وخیم‌تر از آن خواهد بود.

همان‌طور که گفتیم یکی از مشکلات عام تشکیل‌های موجودنداشتن سیاست قاطع و روشن کار در میان پناهندگان و اولاً تشکیلات آنها در مورد جنگی بسیج و سازمان‌دهی می‌باشد. این سوالات که حول کدام‌ها - ها، با طرح مطالبات و تبعیت از چه سبک‌گساری می‌توان بیشترین توده پناهندگان را به گرد گان‌ونها جمع آورد، موضوع مباحثه فعالین این شکل-

گان‌ونها و انجمن‌ها برپا می‌کنند - با وجود انبوه مهاجرین تعداد اندکی شرکت می‌جویند. در مورد آکسیون‌های دفاع از زندان‌ها، و افشاگر - بی‌ا علیه رژیم اسلامی نیز وضع بهمین ترتیب است. پاسخ کلی ما به این وضعیت اساساً در نقد سکتاریسم فرموله می‌شود. ولی در این بحث مشخص عملزدگی سطحی و مبتذل گشا‌های از انحراف اصلی یا دشده است که از کار پیگیری توده‌ای، بی‌ورانه مستمر و روزانه تفرقه می‌رود مورد انتقاد است. ما باید این حقیقت را برای خود روشن کنیم که مردم مانند دوندگان آماده در کنار میدان نیستند که با کشیدن سوت از طرف ما ب حرکت درآیند. پیوندهای متنوع و بیشماری میان ما با آنها لازم است، که با شیوه‌های آما توری و هر چند گاه یک بار و آنهم به کمک یک عمل بدست نمی‌آید. عمل توده‌ای در میان مهاجرین، کار مداوم و طولانی می‌خواهد. با بسبب خواست‌ها، مشکلات و فشارهای آنها را شناختن و وسیعاً تبلیغ کرد و با کمک خودشان محفل‌ها و سازمان‌های خودیاری تشکیل داد، بر استی ضرورت سازمان پناهندگان به‌مثابه یک سازمان صفی توده‌ای از گان‌ونها می‌شود؟! ز موقعیت اجتماعی پناهندگان که به بی‌وروازی کشور غیر خودی تحمیل شده است و تحت فشارهای اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی به موقعیت ما دون پرولتاریا رانده می‌شود. آیا این سخنان به این معناست که سازمان‌دهی اقدامات افشاگرانه ضد جمهوری اسلامی - ضد جنگ عملی بی‌بهره و انحرافی است؟ ما چنین عقیده‌ای نداریم و ه ما نظور که با رها اظهار داشته‌ایم معتقدیم که گان‌ونها و شکل‌های صفی - توده‌ای نباید نسبت به مطالبات عام دموکراتیک مهاجرین بی‌توجه بمانند و خطت سیاسی و موضع اپوزیسیون آنها را نادیده بگیرند. زیرا این نیرو را جمهوری اسلامی وادار به مهاجرت کرده، مسئول تمام بی‌بختی‌های آنست و این جمعیت آرزوی بازگشت به کشورش را دارد. ولی از روی این خواست - ها نمی‌توان، سازمان پناهندگان را برپا کرد. سازمان پناهندگان سازمانی است هدف حقوق و منافع پناهندگان، همچنانکه سازمان بزشگان یا دانشجویان، هویت خود را با دفاع از منافع لایه مورد نظر خود کسب می‌کند، البته انتقاد ما به آکسیون‌ها فرا ترا اقدامات است که این گان‌ونها علیه جنگ یا اقداماتی مشابه آن انجام می‌دهند. مسئله اینست که حتی دفاع از حقوق پناهندگان را نباید به آکسیون‌های منفرد تنزل داد. هم‌ان‌طور که نباید توان هویت و کارگر در واقعیت بسبب اتحادیه‌ها کارگری را از روی تعداد اغتبا با تی‌کسه برپا می‌کند مورد قضاوت قرار داد. فعالیت بسبب اتحادیه‌ها به‌سازمان‌دهی اعتماد محدود نمی‌شود. و یک اعتماد خوب و موفق خودمحمول‌کار بقیه در صفحه ۱۱

هفته مخالفت با جنگ ایران و عراق

آلمان فدرال - ها نور:

تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق

بمناسبت آقا زهشتمین سال جنگ و تظاهراتی بین ایران و عراق کمیته مشترکی توسط کانون پناهندگان سیاسی هانور، کارگاه سیاسی - فرهنگی هانور، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی هانور، تشکل مستقل زنان و جمعی از عراقیهای مقیم هانور تشکیل گردید. این کمیته با چاپ پوستر و چند اعلامیه و تبلیغ حول برگزاری این تظاهرات و گذاشتن سه نوبت میزد روزههای شنبه چهارم، چهارشنبه هفتم و جمعه هم مهرماه در مرکز شهر هانور با نمایشگاه عکس و فشارگری فجایع جنگ جاری بین ایران و کشور و... تظاهرات سوم اکتبر (پایزدهم مهرماه) را تدارک دید. علاوه بر اعلامیهها و پوستر مشترک هر تشکل اعلامیه جداگانه ای نیز به زبانهای فارسی و آلمانی چاپ و پخش کردند و هرکدام زواویه ای مصائب و خرابیهای جنگ ایران و عراق را برای اذهان عمومی فاش ساختند و همچنین ارسال اسلحه و کمکهای اقتصادی و پزشکی کشورهای جهان - و از جمله آلمان - را محکوم کردند.

تظاهرات از ساعت ۱۱ صبح روز شنبه در مرکز شهر برگزار گردید و حدود ۴۰۰ نفر ایرانی و آلمانی در آن شرکت کردند.

تظاهرات در ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر با قرائت قطعنامه مشترک کمیته به کار خود پایان داد.

نمایشگاه عکس از جنایات جنگ ۲۰ - ۲۲ سبته ۲۲ سپتامبر ساعت ۷ بعد از ظهر منظره پیرامون جنگ ۳ - چهارشنبه ۲۳ سپتامبر، گزارش سفر آقای (Peterschitt) پترشوت به ایران ۴ - شنبه ۲۴ سپتامبر ساعت ۱۱/۳۰ تظاهرات علیه جنگ ۵ - کانونهای دمکراتیک، احزاب و سازمان - های سیاسی زیر اقدام کمیته برگزاری هفته ضد جنگ خلیج - ها مبورگ حمایت کرده اند:

- ۱- کانون دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران (ها مبورگ) ۲- کانون دمکراتیک دفاع از حقوق پناهندگان سیاسی و دانشجویان ایرانی (ها مبورگ) ۳- کانون دوستداران هنر ایران ۴- هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر - ها مبورگ) ۵- حزب سبزها ۶- حزب کمونیست آلمان ۷- اتحادیه صلح آلمان ۸- جمعیت ضد فاشیست ها ۹- انجمن نویسندگان آلمان در صنایع چوب و کاغذ ۱۰- جمعیت صلح اپندورف ۱۱- کمیته ضد جنگ ایران و عراق (ها مبورگ) ۱۲- کمیته ضد جنگ خلیج ۱۳- اتحادیه دانشجویان عراقی در آلمان و برلین غربی ۱۴- اتحادیه دانشجویان دانشجویان دانشگاه ها مبورگ

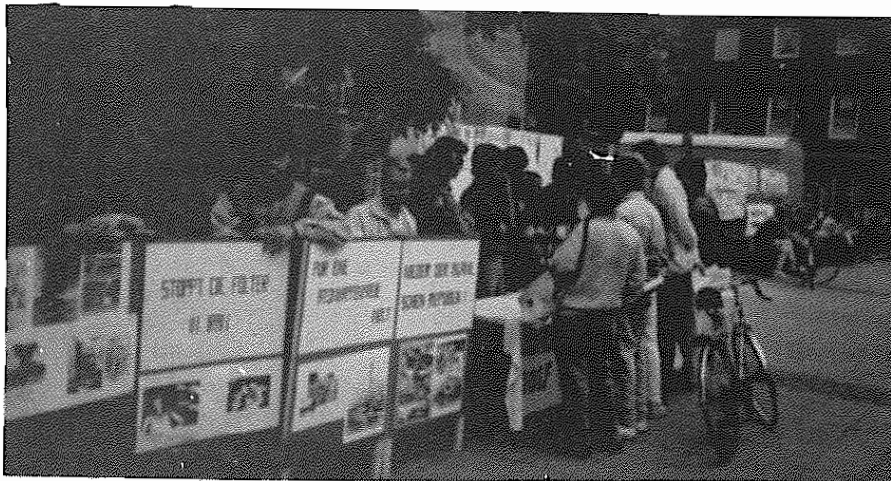
آلمان فدرال - ها مبورگ

کمیته برگزاری هفته ضد جنگ خلیج در ها مبورگ با صدور اعلامیه ای ۲۱ تا ۲۶ سپتامبر را هفته ضد جنگ اعلام کرده است. در اعلامیه چنین آمده است: "از ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۱ تا کنون جنگ جنایتکارانه ای، طولانی تر از جنگ جهانی دوم در منطقه خلیج فارس شعله ور است که تنها تولیدکنندگان ابزار جنگی در تمام قاره ها از آن سود برده اند. این جنگ تا کنون بر اساس آخرین آمار، از دو طرف حدود یک میلیون کشته، ۲/۵ میلیون مجروح، بیش از ۷۵ هزار اسیر جنگی و بالغ بر شش میلیون آواره ببار آورده است، پایانی بر آن متصور نیست. سلاحهای شیمیایی ممنوعه بکار میروند، مردم غیرنظامی، بیمارستانها و مدارس بمباران میشوند و حقوق بشر در هر دو سرزمین، زیر پا گذاشته میشود.

کمیته در اعلامیه خود خواستار پایان یافتن بدون قید و شرط جنگ، قطع صدور اسلحه، شناسایی حق پناهندگی برای فراریان از جنگ و آزادی قید و شرط اسرای جنگی و زندانیان سیاسی و رعایت حقوق بشر در هر دو کشور گردیده است.

برنامه های هفته ضد جنگ از این قرار است: ۱- سبته، و چهارشنبه ۲۳ و ۲۴ سپتامبر

جنگ ایران و عراق باید پایان یابد



شهر ۱۲۰۰۰ عدد اعلامیه آلمانی پخش نموده و طوماری را در حمایت از قطع کمکهای سیاسی و اقتصادی دولت آلمان فدرال به امضاء ۱۵۰ تن از مسرمد رساندند. این آکسیون با شرکت اکثریت ایرانیان مقیم کوشنلند و حضور گروهی از ایرانیان شهرهای اطراف برگزار گردید. تعدادی از احزاب و سازمانها و نیروهای سیاسی در منطقه از این آکسیون حمایت کردند. از جمله، حزب سبزها، انترناسیونال دانشجویان، و تعدادی از سازمانهای ایرانی از جمله هواداران سازمان

دولتهای آن منطقه باشد. ۳- دفاع از تلاشهای ملها زمان ملل متحد در چارچوب حق تعیین سرنوشت خلقهای دو کشور و صلح شرافتمندانه هستیم. شورای پناهندگان سیاسی ایران - کوشنلند و حومه روز دوشنبه ۲۱ سپتامبر آکسیون افشاگر - انهای راهمراه با نمایشگاه عکس از جنگ و اختناق و مبارزات توده ها برگزار نمود. این اولین حرکتی است که ایرانیان این شهر در افشای رژیم جمهوری اسلامی انجام داده اند، از اینرو شورا برای آشنا ساختن هر چه بیشتر مردم

آلمان فدرال - کوشنلند:

این عنوان اعلامیه ای است که شورای پناهندگان سیاسی ایران - کوشنلند و حومه در رابطه با جنگ هشتساله ایران و عراق اعلامیه ای منتشر کرده و فجایع ناشی از آنرا افشاء نموده است. در قسمتی از اعلامیه چنین می خوانیم: ... هدف رژیم جمهوری اسلامی از ادامه جنگ، تحکیم سلطه رژیم تئوکراتیک در ایران و کشورگشایی برای تاسیس خلافت آیت الله ها در منطقه خاورمیانه و حتی جهان است. اکنون با متشنج شدن منطقه خلیج فارس و ناامنی گشتن آبهای این منطقه و حضور نظامی وسیع آمریکا، انگلستان، فرانسه، ژاپن، ایتالیا و... که فقط تعداد سربازان آمریکایی به ۲۰ هزار و تعداد دنا و های جنگی آن به ۴۱ فروند می رسد، ابعاد شعله ورگشتن هر چه بیشتر تشنج در منطقه به یک احتمال جدی تبدیل شده است. در قسمتی دیگر از اعلامیه خطاب به مردم ملحد و شرافتمند، اضافه گردیده: "در صورتیکه هر روز رژیم جمهوری اسلامی در میان خلقها و دولتهای سراسر جهان افشاء و منزوی می گردد، دولت جمهوری فدرال آلمان روابط گسترده تری را با این رژیم تروریست برقرار می نماید، ما خواهان: ۱- قطع ارسال اسلحه و هرگونه تقویت کشور جنگ افروز و قطع حمایتها و محکومیت آن می باشیم. ۲- قطع مداخله و حضور مستقیم ایالات متحده از منطقه خلیج فارس بوده و معتقدیم امنیت خلیج با یدبرعه دهی

کرده است. از این مهمتر اینکه یکی از جوجه برجسته کلیه گروهها و محافل انقلابی چپ در آن سالها جزو بندی با اپورتونیسیم حزب توده بوده است. بدیهی است ذکر این فاکت های برجسته "توده ای" که بلندترین پرچم مبارزه علیه اپورتونیسیم و تسلیم طلبی طی سالهای پیش از انقلاب را در دست داشتند برای حزب توده صرف نداشتند است. از این هم که بگذریم با زبانی "لغزش های" نویسنده مقاله و داوری های "غیرمنصفانه" او ما را وامی دارد نکاتی را متذکر گردیم. در استدلالات "تا مه مردم" صحبت از اینست که فد. توده ای ها با لایحه سر از آخور خدا انقلاب در می آورند، این ورطه هولناکی

نمی توان "چپ" بود و ضد توده ای نبود!

است بر سر راه آنها و برای متقاعد کردن خواننده بی خبر، انورخا مسه ای را مقابل چشمش می گیرد و می نویسد:

"انورخا مسه ای که بیش از چهار سال خفقا نگرفته بود، در رژیم جمهوری اسلامی یکبار از زبان ساز می کند و با اجازه و اشاره آرزویم، خاطرات خود را منتشر می کند، تا در اوضاع و احوالی که "سنگ را بسته و سنگ را رها کرده اند" به حزب توده ای سران فحاشی و لجن پراکنی کند. ولی در این اوضاع و احوال که "سنگ را بسته و سنگ را رها کرده اند" چرا حزب توده از احسان طبری که عمیق تر از خا مننه ای به حقانیت اسلام ایمان آورده و قاطع تر و پرمغز تر از تمام مرتدین و همپالکی های ایشان جنبش انقلابی و فلسفه ما رکیستی را تخطئه می کند حرفی به میان نمی آورد؟ آیا رهبران این حزب ده ها برابر کاری تر از خیانت خلیل ملکی ها بر بیکر نهفت انقلابی ضربه وارد نداشتند؟ کجا نیکخواه ها و انورخا مسه ای ها توانستند زهر تبلیغی نشان -

را تا این درجه در گهای جنبش انقلابی کشور ما فرو کنند. از این ها مهمتر و رسوا کننده تر اینکه تا ریخ جدید این حزب جز ننگ و خبیانت و غلطیدن در دام ارتجاعی ترین رژیم فاسد کمونیست تاریخ ایران چیزی نبوده است و شره آورتر از زهمه اینکه، حزبی که خود را هنوز بظهور کامل از آن ورطه بیرون نکشیده و هنوز به برنامهای ضد انقلابی همکاری با رژیم اسلامی مباحات می کند و مهمترین شاخص خط خیانت پیشگی طی سال های گذشته بوده، و متعفن ترین منجلابی است که خط انقلابی حتی الامکان با یخ خود را از آن دور نگه میداشت، دم از سرانجام خیانت آمیز "توده ایها" می زند! حزب توده مخالفین خود را از ورطه ای می ترساند که خودبخود مهمی از زندگی اش را در آنجا گذرانده و رهبران دست اول آن هنوز مشغول دعوت از جوانان انقلابی برای رفتن به آن منجلاب هستند. و حزب توده به چنین رهبرانی افتخار می کند. بنا بر این باید سوال کرد آیا هدف حزب توده از این مقاله، بازداشتن "چپ های صادق" از غلطیدن در منجلاب فد -

بقیه در صفحه ۱۱

ندیدن این مسئله که عا مدا از طرف حزب انجسام می گیرد از یک شیوه کار ملارندانه برای مسخ محتوا های سیاسی اساسا متفوت و مرز بندی با حزب توده ناشی می شود. این نکته وقتی بخوبی عیان می گردد که پای گروه های دموکرات و انقلابی به میان می آید و مخالفت آنها با حزب توده از طرف این حزب با موضع آن خائنین یکسان نشان داده می شود. بی پایگی و خصلت ارتجاعی این منطق نیز از همین جا عیان می گردد. تنها می "توده ای ها" قطع نظرا از اینکه از چه زاویه و با برخورداری از کدام بینش به مرز بندی با رژیم حزب توده می رسند در کنار هم قرار داده می شوند. دقیقا مثل استدلال

سازمان مجاهدین خلق که همه "دشورانیها" را ارتجاعی قلمداد می کند و یا خمینی که همه مخالفین رژیم اسلامی را آمریکا می معرفی می کند. حزب توده در اصطلاح بررسی فاکت های تاریخی برای مدلل ساختن منظور خویش نه تنها به شیوه ای رذیلانه خائنینی چون انورخا مسه ای و خلیل ملکی و نیکخواه را در کنار جریان است انقلابی قرار داده بلکه سرا دست به جعل و تحریف زده است. چنانکه در گریبهای درونی "اقلیت" و حتی پیدایش این سازمان را نتیجه ضدیت این سازمان با حزب توده عنوان می کند. حال آنکه و لا بحران درونی "اقلیت" بحران پوپولیسم ضد امپریالیستی چپ انقلابی است که آبخشور ایدئولوژیک آن سرچشمه مشترکی با اپورتونیسیم حزب توده دارد، ثانیا و مهمتر، اینکه "اقلیت" نه در ضدیت با حزب توده بلکه در ضدیت با رژیم جمهوری اسلامی بوجود آمد، حال اگر ضدیت با رژیم جمهوری اسلامی و همراه نشدن با آن در سرکوب دمکراسی و انقلاب ضدیت با حزب توده هم معنا می دهد این دیگر به گردن اقلیت نیست. در مورد درگیری میان کومه له و حزب دموکرات هم که حزب توده علت را به ضدیت کومه له با حزب توده ربط داده است قضیه دیگر سرا سر خنده آور شده است. البته در این مورد حزب به نحونا شیانه ای قصد در بارائی از حزب دموکرات را دارد. ولی فرا موش کسره است زمانیکه حزب دموکرات و کومه له متحدان در برابر حملات رژیم به شهرهای کردستان ایستادگی می کردند این حزب توده بود که از پشت به جنبش کردستان خنجر زد و برای پاسدارانی که به سینه پیشمرگان خلق کردستان شلیک می کردند گوی می زد و هورا می کشید.

اما حزب توده که در تاریخ نگاری خبره است و حتی حوادث سالهای بسیار دور گذشته را فرا موش نمی کند و خلیل ملکی ها را از قلم نمی اندازد، چطور بیژن جزنی را که بزرگترین اتوریته انقلابی جنبش چپ در دهه ۴۰-۵۰ است و یکی از جوجه بسارز نقش انقلابی او در مبارزه اش علیه رژیم و بطور مشخص علیه حزب توده تجلی می یافت، فرا موش

نمی توان "چپ" بود و ضد توده ای نبود! با وجود آنکه تجارب سال های اخیر کشور ما با معرفی نمونه های زنده و برجسته ای محت بی چون و چرای معیارهای لنینی برای ارزیابی ما هیست احزاب سیاسی، یعنی بررسی تاریخ واقعی احزاب و مواضع عملی آنها نسبت به مهمترین مسائل مبارزه طبقه کارگر را به ثبوت رسانده است، هنوز در جنبش ما گروه های سیاسی هستند که با روی برتافتن از این آموزش ما رکیستی معیارهای را مبنای داوری خود قرار می دهند که گاه بسیار مضحک و رقت انگیز است. یکی از نمونه های تیپیک این مثال پدیده حزب توده است. این

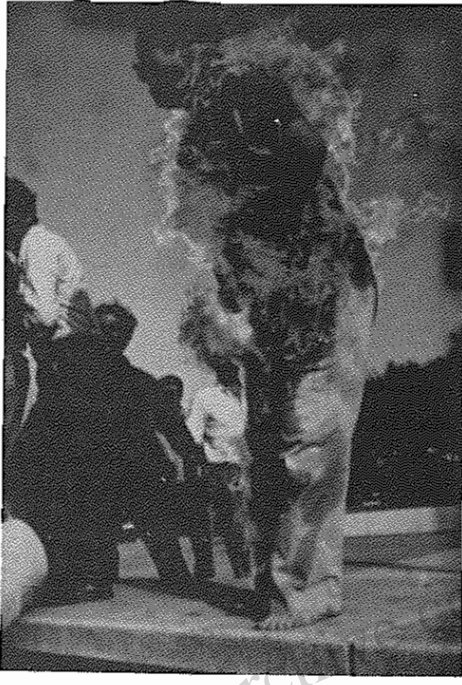
حزب که بخاطر خیانت های سنگین و بیشمار خود از همه سوتحت فشار رگرفته و با تقلابی رقت - انگیزی همچنان از مواضع اپورتونستی خود دفاع می کند در نامه مردم شماره ۱۲۰ دعا کسره است که "نمی توان ضد توده ای بود و "چپ" ایمن ادعای غربی در عین حال یکی از اشکال شناخته شده سرکوب ایدئولوژیک توسط این حزب می باشد و هنگامی بکار گرفته می شود که تمام راه های گریز از پاسخگویی به سیل سئوالاتی که در مقابل اش قرار می گیرد مسدود می شود. این ادعا یک پله بالاتر از تمسک جستن به شهیدان و نسب رساندن به ارضیها و روزبه ها و یا به رخ کشیدن امضاء احزاب برادرو توسل جستن به اتوریته ها و تیکت ها برای ترساندن و خاموش ساختن مخالفین است. اما در وضعیت کنونی جنبش که کمترین حیثیتی برای این حزب اپورتونست باقی نمانده این شباهت بیشتر به شوخی می ماند و فقط باعث خنده می شود. با این حال با وجود تاریخ طولانی منجلاب اپورتونستی که این حزب در آن غوطه ور بوده و بخصوص دوره ۸ ساله وحدت ضد انقلابی آن با رژیم اسلامی جالب است بدانیم مخاطب حزب توده در این مقاله کیست؟ چرا امروز چنین معیاری عرضه می کند و اتولایتخواه حزب در این ادعا چیست؟

برای این منظور حزب ظاهرا به تاریخ رجوع می کند و اظهار می دارد: "شواهد و تجربهای تاریخی نشان داده اند که "چپ ضد توده ای" اندک اندک به عمیق ترین ورطه "راست" در می غلتد" و سپس بنحو نا شیانه و دست و پا شکسته ای از مجموعه نا همگنی که یکسره به خلیل ملکی و سردیگرش به "اقلیت" و "کومه له" وصل می شود تا ریخرا مونتاز می کند که فقط ممکن است با عث فریب بچه مدرسه ایها بشود. بگذارد قبیل از همه این نکته را روشن کنیم می آید زمینه های اجتماعی و سیاسی که باعث خیانت و ارتداد افراد مثل خلیل ملکی و انورخا مسه ای شد با موارد مشابه خیانت نیکخواه ها تفاوت وجود دارد و برای هر کدام علل و سبب تاریخی - سیاسی مشخصی وجود دارد و تغییر رابطه و موضوع آنها علیه حزب توده معلول این تحولات بوده و نه برعکس.

خودسوزی و شهادت ایرانی مبارز نیوشا فرهی

۱ آمریکا - لس آنجلس

عده ای از ایرانیان مبارز و مترقی مقیم لس آنجلس د اعتراض به سفر خا منه ای رئیس جمهور جنا یتکار رژیم فقها و افشا چهره گریه ود د منش جمهوری اسلامی با تشکیل "کمیته اعتراض به ورود خا منه ای به سا زمان ملل" تظاهراتی را د ر تاریخ ۲۰ سپتا میر ۱۹۸۷ د مقابل ساختمان فد رال ، و سمیت وود لس آنجلس ترتیب دادند . جمعیت حاضر د ر تظاهرات با انزجار از رژیم اسلامی شعارهای "سفر خا منه ای رابه سا زمان ملل محکوم می کنیم" ، "سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی" ، "ارسال اسلحه به رژیم خمینی را محکوم می کنیم" ، "مرگ بر ارتجاع ، زنده باد آزادی" و . . فریاد می کردند .



هنگام قرائت قطعنامه پایانی تظاهرات که خواستار قطع فروش اسلحه به د ولت های د رگیر جنگ و اخراج د ولت ایران از مجمع بین المللی از جمله سا زمان ملل بود ، "نیوشا فرهی" هوداد ر سا زمان چریکهای فدایی خلق از مبارزین خارج از کشور بخاطر اعتراض به د هشت حاکم پرکشورمان و افشای رژیم جنا یتکار جمهوری اسلامی د مقابل چشمان حیرت زده تظاهرها کنندگان و مرد محاضر د ر صحنه د ر حالیکه فریاد "مرگ بر خمینی" سر میداد خود را آتش زد . علی رغم اینکه د وستان و ایران و ی بلافاصله به طرف او هجوم برد و آتش را خاموش کرد ند ، ولی بخاطر شدت خود سوزی ۷۰ درصد بدن نیوشا طعمه حریق گردید . جمعیت نگران و متقلب با کمک گرفتن از "تیروهای آمداد" بدن سوخته نیوشا را به بیمارستان دانشگاهیو . سی . ال . ای رساندند . بیمارستان مزبور د لیل سوختگی مفرط نیوشا و محدود بودن امکانات خود از پذیرش او سرپا زد . بایستی نیوشا را به بیمارستان خصوصی منتقل می کردند و د ر آنجا ۱۱ تا ۱۵ هزار دلار رویا وثیقه مالی برابر با ۲۵ هزار دلار برای پذیرش مد او ای بدن سوخته نیوشا د رخواست می شد . اما بدلیل ناکافی بودن میزان مبلغ آآمد هشد ها د طرف ایران نیوشا بدن سوخته او را واسطه روزی د ر دستها ماند . تا اینکه بیمارستان عمومی دانشگاهیو . سی . سی مد او ای او را پذیرفت . ولی با کمال تاسف نیوشا فرهی چند روز پس از خود سوزی د ر بیمارستان د ر گذشت فعی سنگین برد لها بجانهاد .

بد نیال مرگ نیوشا روزیکشنبه ۴ اکتبر ۱۹۸۷ د ر محل خود سوزی نیوشا صد هانفر از ایرانیان مترقی باشعار مرگ بر جمهوری اسلامی ایران نایود باد بقایایی سلطنت د ست به تظاهرات زدند . د رایبسن تظاهرات که قطعنامه ای ر مبنای وصیت نامه نیوشا تهیه شد ه بود ، توسط براد روی "پیام" قرائت گردید . قسمتی از وصیتنامه نیوشا فرهی :

" . . . خون من رنگینتر از خون خالق کرد ، ییلا زنان حامله ای که اعدا هاند و یاد خترانی که به شنیعترین اشکال شکنجه می گردند . . . نیست . اگر چه شجاعت ، ایمان و بزرگی آنها راند ارم و به طریق اولی به انداز آنها عاشق نیستم . . . "

متن کامل دست نوشته نیوشا فرهی در صفحه ۱۴

پیام تسلیت
کمیته خارج سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
به خانواده ، رفقا و د وستان نیوشا فرهی

بی گمان مرگ تکان د هند هود لخراش رفیق نیوشا فرهی برای همه مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم د رد ناک و سوزنده بود . شهادت نیوشا فرهی انعکاس د ر د ها و کینه فروخته ای است که د وجود توده های رنج کشیده می گرد و مرگ مرتجعین حاکم رانوید می دهد . برخلاف خواست و تصور رژیم ولایت فقیه نه تیرباران انقلابیون و نه شکنجه و زندان نتوانسته است روح پیکارجویی را که بیش از د ه سال است د رمیان زحمتکشان ما زیانه می کشد خاموش سازد . این مقاومت هم اکنون د ر کارخانه ها ، د ر روستاها ، د ر کردستان و بلوچستان و حتی د ر سیاه چالها جاشی که چنگالهای مزدوران گلوبی فرزند ان انقلابی خلق را می فشارد ، قد می کشد و سرود رهائی سر مید هد و همین سرود است که از جان سوزان نیوشا فریاد زده می شود ، فریاد نسلی که خاموشی نمیگیرد نام نیوشا فرهی امروز د ر کنار نسل انقلابی قرار د ارد که د راه رهاقی خلقهای تحت ستم ایران از نثار جان نیز د ریغ نورزیدند .

د رود بر جان با ختگان آزادی و سوسیالیسم !
مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی !
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا !

سا زمان کارگران انقلابی ایران
کمیته خارج از کشور
۱۰ اکتبر ۱۹۸۷

آنگاه...

ستمگران
در سراسر پهنه خاک
مکتب نفرت و کینه بنا می کنند،
اما
روزی
رنجبران
آن همه را درهم خواهند شکست
و در سراسر پهنه خاک
مکتب دوست داشتن
بنا خواهند کرد.

ستمگران
زمین را

سراسر

بد زندانی مبدل می کنند

اما

روزی

رنجبران

هر زندانی را به گلستانی بدل خواهند کرد

ستمگران

زمین را

سراسر

زرا دخانه می کنند

بمب و تفنگ و مرگ را،

اما

روزی

رنجبران

زمین را

سراسر

کارگاهی می کنند

زندگی را و مهر ورزیدن را.

و آنگاه دیگر

نه کینه می به جا خواهد ماند و نه نفرتی
نه زندانی به جا خواهد ماند و نه جنگی!

ترجمه جلال الدین ملکشا
به نقل از کتاب جمعه
سال اول شماره ۶



اطلاعیه

در مورد حرکات اعتراضی پناهندگان در ایالت بایرن آلمان فدرال، اطلاعیه ای از "شورای هماهنگی حرکت اعتراضی پناهندگان بایرن" بدست ما رسیده است که به درج آن میباید در دست ما رسید.

آلمان فدرال - اکتوبرگ (بایدن) تحسین و اعتصاب غذا برای حمایت از زندانیان سیاسی ایران

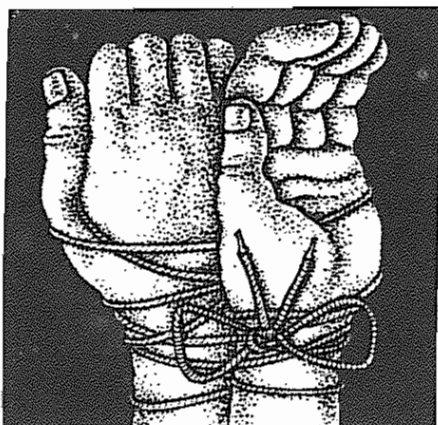
کانون پناهندگان سیاسی منطقه اکتوبرگ برای حمایت از زندانیان سیاسی قهرمانان زندانیان ایران و افشای رژیم مستعمر و سیا و جمهوری اسلامی در مقابل افکار عمومی و جلب توجه و حمایت نهاد های مترقی و بشردوستانه و سازمان های مردم مددکار و حمایت از زندانیان سیاسی و اعتصاب غذا را از تاریخ ۶ سپتامبر مدت ۱۰ روز با موفقیت ترتیب داد.

تحسین و اعتصاب غذا میباید با خواسته های ۱- مذاکره با نمایندگان سازمان ملل متحد، سازمان عقوبت الملل و صلح سرخ جهانی جهت اعزام هیاتی برای بررسی اوضاع زندانیان ایران، ۲- محکوم نمودن شکنجه و اعدام توسط مراجع حقوقی بین المللی و درخواست آزادی زندانیان سیاسی شروع شده بود، توانست حمایت اکثریت قریب به اتفاق احزاب، سازمانها و نهاد های مترقی و بشردوستانه را از مبارزه عادلانه ای مردم ایران علیه دیکتاتور رژیم صهیونیستی جلب کند، به نحوی که امنیتی تقبل کرد تا تلاشهای پیگیرانه تری را در مخالفت با شکنجه و اعدام زندانیان ایران انجام دهد. در طی اعتصاب تعداد زیادی از مردم انسان دوست شهرها امضای طومار اعتراض خود را به شرایط حاکم بر سر نوشت مردم ایران ابسراز داشتند و سازمانهای زیرا از خواسته های اعتصابیون حمایت کردند. کنگره راسین اتحادیه های کارگری آلمان (DGB)، حزب کمونیست آلمان (DKP)، حزب سبزها و...

● کانون پناهندگان سیاسی منطقه اکتوبرگ (بایدن) گاهنامه ای را در ۳ صفحه با نام "پناهندگان" منتشر کرده است. شماره اول این گاهنامه تاریخ نیمه اول مرداد ماه را دارد. گاهنامه شامل مطالب ویژه گفتار اخبار ایران، اخبار پناهندگی، اطلاعیه های کانون و "شعر" است. ما برای پناهندگان این کانون و گسای هنامه شان آرزوی موفقیت در پیشبرد اهداف آن را داریم.

آدرس داکم کانون پناهندگان سیاسی اکتوبرگ (بایدن)

Panahandeh
Postfach 1314-7602 Oberkirch
W - Germany



روزا اعتصاب غذا در لاکر شافهوف - با شرکت پناهندگان ایالتی از لاکرهای هرسبروک و کارل اشتراسه فورتن و روزا اعتصاب غذا در لاندس هوت با ردیگر بوا سله مهابه های مطبوعاتی و رادیویی با شرکت نمایندگان احزاب سیاسی مختلف آلمان، ارسال پیام به سازمانهای سیاسی و انجمنهای دیگر، تیکه، شرکت در سمینار انجمنهای کانونهای ایرانی، ایرانی، ایرانی (دا رمشتا) و با حضور در مجمع سیاسی و مذهبی مختلف جهت توضیح مشکلات و روند حرکت و وضعیت لحظه، نیز توضیح واقعات پیش گفته شده با زدید کنندگان و حمایتگران از اعتصاب غذا برای آگاه سازی افکار عمومی از مسائل دردناک زندگی و آئینده، مبهم خود اقدام نمودیم، تردیدی در شریختی این تلاشها وجود ندارد!

اعتصاب غذا اعتراضی و افشاگرما در شراپلی آغاز شد که ایرانیان پناهنده، سیاسی لاکر میکا وزن از یکماه قبل از آن به با یکوت پیوسته، سه لاکر در رگنزیبورگ با بیش از ۲۳ نفر از ۲۴ ملیت پناهندگان لاکرما رگلوئین و بخشی از پناهندگان با بیروت نیز از ۱۵ سپتامبر به تحریم جیره غذایی تحمیلی دست زدند. همچنین سه لاکر در رگنزیبورگ و آکسبورگ، لاکرهای هرسبروک، هوخ اشنت، لایونگن دبلینگن، وایدن، تاپرلیتس و دیتن هوفن آمادگی خود را جهت با یکوت جیره تحمیلی اعلام نموده و با برگزاری راهپیمایی تظاهرات ایستاده افشاگر حمایت قاطع خود را از مبارزات و مطالبات پناهندگان متشکل در "شورای هماهنگی" اعلام کردند. سرانجام - علیرغم بی توجهی غیرمسئولانه مقلات دولتی - آقای "والتر کراور" شخصیت انسان دوست و مودبترام، نماینده "SPD" در پارلمان بایرن با حضور در مجمع اعتصابیون کوبورگ و کسب شناخت بیشتر از مسائل و مشکلات پناهندگان بایرن و با فهم حقانیت درخواستهای آنان پذیرفت که با انتشار نامه در مطبوعات خطاب به آقای اشتراوس - نخست وزیر بایرن - از مطالبات "شورای هماهنگی" اعلام پشتیبانی نماید. وی پس از اخذ تماس تلفنی با رئیس فراکسیون SPD در پارلمان بایرن از سوی ایشان قول داد که از خواسته های "شورای هماهنگی" "بویژه" تفویض حق انتخاب مواد غذایی با پرداخت پول... - و جهت تحقیق آنها - حمایت جدی نماید.

لذا "شورای هماهنگی" در پایان روز ۲۹ سپتامبر تصمیم گرفت جهت دادن فرصت مقتضی و به احترام درخواست آقای کناورا اعتصاب غذا را پایان یافته اعلام نماید. "شورای هماهنگی" ضمن سپاسگزارى از تمامی پناهندگان ایالت بایرن که ما هدیه بخشی بقیه در صفحه ۸

افکار عمومی مترقی آلمان! بشردوستانه، آزادیخواهان! سازمانهای سیاسی انقلابی، انجمنهای کانونهای دموکراتیک پناهندگان سیاسی! حکایت عشق و باور ما به دموکراسی و آزادی، شناخت حقوق قانونی و انسانی ما، بشما... پناهنده سیاسی، بی حقوقی و زندگی رقت انگیزمان در لاکرها، آئینده نا روشن و آمارنگران کنسده، مردودین متقاضی پناهندگی، شوروشوق و اراده عمومی برای تغییر شالوده ای وضع موجود زندگی غیر انسانی پناهندگان در ایالت بایرن، در ک ضرورت پیکار متحد جهت تائید کفایت برسیاست دولت آلمان پیرامون مسئله پذیرش پناهندگان تلاش برای شناخت عامل عینی "تعادل قوا" ... سرانجام ما پناهندگان لاکرهای او فراه اشتراسه، کوبورگ، موگندورف، لاندس هوت و بختی از پناهندگان لاکرهای رگنزیبورگ و شافهوف نورنبرگ را بر آن داشت که پس از با یکوت جیره تحمیلی غذا با سازماندهی "شورای هماهنگی لاکرهای معتسرف ایالت بایرن" حرکت آگاهانه، نقشه مند و متحد خود را با هدف بسیج افکار عمومی مترقی آلمان، پناهندگان سیاسی، سازمانهای سیاسی انقلابی و انجمنهای و کانونهای دموکراتیک پناهندگان سیاسی و نیز احزاب و نیروهای مترقی آلمان در راه هیئت آغاز نمائیم.

ما بر این اعتقاد بودیم که اگر پناهندگان سیاسی بایرن فعال نشوند و بخاطر مبرم خویش پیگیرانه پیگیراننگند، چنانچه پشتیبانی فعال پناهندگان سیاسی سراسر آلمان و پناهندگان سیاسی فراسوی مرزهای آلمان و تشکلهای مترقی آنان و سایر تشکلهای انقلابی از مبارزات ایسن "شورا" "شورا" برانگیخته نشود، حتی گامی به پیش نمی توان برداشت.

از این رو با کجارتبلیفی وسیع، راهپیماییها، سومبولی و ۱۵ سپتامبر، تحسین، ارسال نامه به نخست وزیر آلمان و بایرن، و ارسال کپی آن به کمیاری امور پناهندگان سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین الملل، ملیت سرخ آلمان و دیگر مقامات مسئول و... با ارسال نامه ها و پیمایش به سازمانهای سیاسی، انجمنهای دموکراتیک و لاکرهای حمایتگر ایالت بایرن کوشیدیم به این امر مهم ناائل شویم.

حاصل تمامی تلاشهای فوق مواجهه با بی اعتنائی محض مسئولین امر بود. چنین بود که دست اندکاران امور پناهندگان ایالت بایرن اعتصاب غذا را به ما تحمیل کردند!

در جریان ۱۵ روزا اعتصاب غذا در کوبورگ، ۱۴

دومین

سمینا رسا سری کا نون های پناهندگی و تشکلهای دمکراتیک ایرانیا ن در آلمان فدرال

دومین سمینا رسا سری کا نونهای پناهندگی ۰۰۰ طی روزهای ۸۷/۹/۱۹ و ۸۷/۹/۲۰ با شرکت ۱۸ کا نون و تشکل دمکراتیک در شهردارمشتات آلمان فدرال برگزار گردید. اولین سمینار در تاریخ ۸۷/۵/۹ در شهرها نور آلمان فدرال تشکیل شده بود.

سمینا رکا رخود را روی دو تم اصلی: استعریف پناهنده سیاسی و دفاع از حقوق پناهندگی ۲ - میاننی فعالیت مشترک و تهیه پلانفرم آن متمرکز نمود. در رابطه با محور اول تعریف زیر ۱- کلیه انسانها شیکه از وطن خود بدلیل اقتصادی - سیاسی فرهنگی، ملی، مذهبی، مسمجنسی (لغوقوق) جماعی زنان، عقیدتی و جنگ گریخته اند بعنوان ن پناهنده سیاسی شناخته میشوند. ۲- از ایسن رو دفاع از کلیه حقوق اجتماعی - انسانسی پناهندگان بدون در نظر گرفتن وابستگیهای سیاسی - سازمانی آنها ضروری میباشد. ۳- بنا براین دفاع از حقوق اجتماعی - انسانسی کلیه پناهندگان بمعنای دفاع از عقاید سیاسی - سازمانی آنها نخواهد بود. " مورد توافق همده کا نون و تشکل دمکراتیک قرار گرفت (پسک نماینده در رای گیری شرکت نکرد). از ایسن تعداد فرستادگان ۹ کا نون و تشکل دمکراتیک به ضرورت افزوده شدن بند زیر (بند ۴) به سه بند بالا رای دادند: "۴- دفاع از حق پناهندگی بعنوان یکی از حقوق دمکراتیک، مستلزم انشای کلیه احزاب و حکومتها نشاست که در سرکوب آزادیهای دمکراتیک و جمله نقض حقوق پناهندگی دخالت داشته و دارند. " در رابطه با محور دوم سمینا ربه جمع بندی های زیر دست یافت:

۱- اکثریت کلیل نیروهای شرکت کنندنده از مبارزاتی که در جهت فقط حقوق پناهندگان و دفاع از حقوق آنها با شد پشتیبانی می کنند. ۲- اکثریت کا مل نیروها بر این نظر هستند که کمیته ارتباطی سراسری بین کلیه نیروها و انجمنها و تشکلهای پناهندگی و دکراتیک جهت گسترش هر چه بیشتر ارتباطات و از بین بردن پراکندگی موجود تشکیل شود و به هما هنگ کردن ارتباطات و روابط کا نونها بپردازد. ۳- اکثریت نیوهای حاضر ضرورت دفاع از حقوق پناهندگان مردودی، استرداد دی و همچنین آوارگان ایرانی در ترکیه، پاکستان و عراق را قبول داشته و به سازماندهی مبارزه مشترک در این جهت معتقد هستند. " (بخشی از نمایندگان از طریق تشکیل کمیته های سراسری و بخشی دیگر از طریق کمیته های منطقه ای و ایالسی) " ۴- اکثریت نیروهای شرکت کنندنده بعنوان اولین حرکت مشترک نیروهای

حاضر، طرح آکسیونی گسترده سراسری را در جهت دفاع از منافع و حقوق پناهندگان پیشنهاد دادند. ۵- اکثریت کا مل نیروهای شرکت کنندنده بر این نظر بودند که با اقدام به انشای یک بولتن نظری سراسری به بحث های موجود در کازکار مشترک و نقطه نظرات مطروحه دامن زده شود. ۶- در رابطه با اقدام برای رسیدگی به مسائل فرهنگی و هنری پناهندگان نیز پیشنهاداتی ارائه گردید (کلاسهای زبان فارسی ۰۰۰) ۷- کا نونها ی پناهندگی و تشکلهای دمکراتیک بر این اعتقاد هستند که زمینه اتحاد بین تشکلهای موجود است و برای تحقق این ایده بولتن مباحثات نظری و کمیته ارتباطات کا نونها را ایجاد می کنند. " در رابطه با محور دوم تم سمینا ر ۹- تسن از نمایندگان اعلام کردند که از "هرگونه همکاری با جریانات وابسته به رژیم های ارتجاعی سلطنتی و جمهوری اسلامی و نیز جریاناتی که در کناره این دو رژیم عمل دست به کار سرکوب مبارزات دمکراتیک مردم زده اند خودداری می نمایند. " بقیه نمایندگان معتقد بودند که "اتحاد عمل، ائتلاف و پیشنها دوحده تشکیلاتی و ارائه پلانفرم را با ارجاع به مجمع عمومی کا نون و در چارچوب مرا نامه و اساسنامه و مصوبات خود با هر نیرو اعلام خواهند نمود. "

"برگزاری سمینا رهای سراسری کا نونها و تشکلهای دمکراتیک، در نوع خود اقدامی بسیار مفید و کارساز در سازماندهی جنبش پناهندگان ایرانی در اروپاست. وبی شک راه دستیابی به همفکری و اقدامات متحد را هموار می کند. سمینار اخیر علیرغم برخی پیشرفتها و نتایج قابل توجهی که به آنها دست یافت، نشان داد که هنوز راه بسیار دشواری در مقابل تشکلهای سراسری پناهندگان ایرانی وجود دارد و هر نوع ساده گرفتن و سرهم بندی عجولانه نتایج غیر مثبتی بیا خواهد آورد. از این رو در شرایط کنونی مانع عمده بر سر راه جنبش پناهندگان نه پراکندگی آن، بلکه سبک کار و انحرافات است که پیشروان این حرکت با خود حمل می کنند. مخدوش کردن مرزهای تشکل دمکراتیک با یک سازمان سیاسی، نشان دادن جنبش دمکراتیک پناهندگان در جایگاه یک مبارزه جبهه ای، تبدیل کا نونها به باشگاههای مبارزایدیپلوماتیک فرقه ای و تهی کردن آنها از زعلت وجودی خود در فعالیت روزمره و یا خالی کردن تشکل توده ای از هر نوع محتوای سیاسی و دمکراتیک و... محتوای واقعی جدلیاتی است که هر دو سمینا درگیر آن بوده است. جای خوشبختی است که سمینا ر علیرغم دسته بندی های موری و فرقه ای فوق بر زمینه های عینی اتحاد بین تشکلهای تاکید نموده و از طسرف

دیگر در توهم و خوشبینی یک سرهم بندی ساده گیر نیفتاده است. چنانکه جمع بندی نهایی سمینا ر تنها سه بند زیر را به عنوان اقدامات عملی و اصلی ترین نتیجه گرد هم آئی اعلام کرده و تقاضای توافق در مورد سایر محورها را به بحث و ارائه راه حل های عملی حول آنها درآینده، محول کرده است: "الف- اقدام در مورد تشکیل کمیته ارتباطات سراسری ب- اقدام به انشای یک بولتن نظری سراسری ج- اقدام به برگزاری آکسیون در مورد پناهندگان در شهرین. "

سمینا ر برای به اجرا درآوردن سه نتیجه نهایی فوق در بین کا نونها تقسیم کار کرده و برگزاری سمینا ر بعدی را بر عهده کا نون پناهندگان سیاسی ایرانی شهر آخن" که در سه یا چهار ماهه آینده باید تشکیل گردد و ا گذار نمود. موفقیت های سمینا ر دوم کا نونها و تشکلهای دمکراتیک ایرانی را مثبت دانسته و پیشرویهای بیشتری را برای سمینا ر سوم آرزو می کنیم. به نوبدی خود همچنانکه تا بحال طی مقالات متعدد در پیام کارگزییرامون سازماندهی پناهندگان به مشکلات و انحرافات موجود پرداخته ایم، باز هم برای یاری رساندن به این جنبش فعالانسه خواهیم کوشید.

ادامه از صفحه ۷

اطلاعیه ای از "شورای ۰۰۰"

از مواد غذایی خود به لاگراهای بایکوتگر نه تداوم بیکارما کمک رسانند، همچنین با ابراز قدرشناسی از پشتیبانی ما دی و معنوی سازمانهای سیاسی، انجمنها و کا نونها ی دمکراتیک پناهندگان سیاسی ایرانی و احزاب، انجمنهای اجتماعی - فرهنگی و سازمانهای مذهبی، محافل و شخصیت های مترقی آلمانی، همبستگی مبارزاتی درخشان را که در طول ۴ ماه گذشته چهره نمود، می ستاید.

"شورای هما هنگی... بدین وسیله اعلام می کند مبارزات پناهندگان با یرن درآینده نیز تا دستیابی به حقوق اولیه، انساننی و قانونسی پناهندگان سیاسی ایالت با یرن ادا نخواهد یافت. از این رو با بیکوت در لاگراهای رگنزیبورگ بمشابه شما دستواری ما در ادا مه بیکارمان شکسته نخواهد شد، اما از تمامی اعتصابیون و دیگر پناهندگان لاگراهای بایکوتگر تقاضا در دبا قطع اعتصاب و بایکوت، خود را جهت پیشبرد هر چه مصممانه تر مبارزه، با درس آموزی از تجارب تسای کنونی حرکت آ ماده تر سازند.

"شورای هما هنگی حرکت اعتباری پناهندگان ایالت با یرن

تایلند - بانکوک :

اعتصاب غذای خشک در مقابل

نمایندگی سازمان ملل

در تاریخ ۱۹۸۷/۱۰/۵ دوشنبه ۳۰ نفر از پناهندگان ایرانی مقیم بانکوک که تعدادی از آنها تقاضای پناهندگی‌شان از طرف نمایندگی سازمان ملل رد شده است، در اعتراض به سیاست غیر مسئولانه و غیر انسانی نمایندگی سازمان ملل در بانکوک که عملاً جان تعدادی از پناهندگان ایرانی را به خطر انداخته و آنها را دم تیغ استرداد قرار داده است، دست به اعتصاب غذای خشک و نامحدود زده اند. عده‌ای از ۳ نفر اعتصابی، کسارت پناهندگی از طرف سازمان ملل دریافت کرده اند، اما بجا طرح‌های و پیشنهادهای از دیگر پناهندگان و همچنین بعضی درخواست‌های منفی، به اعتصاب غذا پیوسته اند. ما قبلاً در پیام کارگزاران ما یک پناهنده ایرانی را از بانکوک (تایلند) درج کرده ایم، که نشان میداد پناهندگان ایرانی در چه وضعیت نامانوس و غیر انسانی در زندانهای تایلند نگهداری میشوند. تردیدی نیست که آسمان در همه‌ی کشورهای تحت سلطه و وابسته به امپریالیسم آمریکا یک مشت مرتجعین بربزخوش ملت‌ها حاکم شده اند، یک رنگ است!

برلین غربی:

برگزاری روز پناهنده

دوگان پناهندگان سیاسی ایرانی در برلین غربی که جداگانه فعالیت می‌کنند، به برای اولین بار در ۴ مه همکارهای خود از چهار ماه پیش حول د فاع آوارگان ایرانی در ترکیه و پاکستان و د فاع از حق پناهندگی و مبارزه علیه استرداد و تقاضای پناهندگی به موفق گردیدند. برنامه مشترکی برای برگزاری روز پناهنده (دوم اکتبر) به اجرا دریا برد.

این برنامه که شامل موسیقی اصیل ایرانی، رقص فولکلور، موسیقی خلقها و سخنرانی بود، با شرکت بیش از ۴۰ نفر از پناهندگان ساکن برلین با موفقیت برگزار شد. این برنامه با هدف برجسته کردن روز پناهنده، به عنوان روز اعتراض مشترک علیه سیاستهای ضد پناهندگی و د فاع از حقوق پناهندگی، اقصای جمهوری اسلامی پناهنده‌ها را به عنوان اساسی این آوارگی، تشدید مبارزه علیه رد تقاضاهای پناهندگی، و سازماندهی یک مبارزه عمومی علیه سیاست استرداد دنبال میشود. همکاری دوگان در موفقیت برنامه نقش مهمی ایفاء نمود. امیدواریم نمونه همکاری فوق سراً از راهی باشد که سایر کارکنان و تشکلهای د مکران پناهندگان نیز خراج از مجادلات فرقه‌ای پناهنده‌ها ادامه دهند.

شب همبستگی باش‌حرا، نویسندگان

و هنرمندان متعهد ایرانی

در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۷ جشنی برای همبستگی باش‌حرا، نویسندگان و هنرمندان متعهد ایرانی در برلین غربی برگزار گردید. نزدیک به ۴۰۰ نفر در این جشن شرکت کردند. در مراسم این شب مقاله‌ای تحت عنوان "هنرمند متعهد" خوانده شد. سعید یوسف و بهرام زشاعران مترقی ایران اشعاری را برای حاضرین خواندند و سیروس ملکوتی گیتاریست و آهنگساز قطعاتی نواخت و همچنین قطعاتی از موسیقی اصیل ایرانی توسط نوجوانان جاریانی (مزدک و گاه) نواخته شد. در این جشن هنرمندانی چون "اصغر" و "قیار" آثار نقاشی و طرح‌های خود را به نمایش گذاردند.

این شب همبستگی به ابتکار رود عوت کمیته هماهنگی متشکل از نیروهای سیاسی ذیل برگزار گردید.

- ۱- سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی - هواداران سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران
- ۲- هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا - برلین غربی
- ۳- پیکارگر - برلین غربی
- ۴- جریان انقلاب سوسیالیستی - برلین غربی
- ۵- هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌راگر) برلین غربی

سوئد - استکهلم :

اعتصاب غذا برای حمایت از آوارگان ایرانی

در ترکیه و پاکستان و...

دستیابی به بخشی از خواسته‌های مندرج در این گزارش پایان پذیرفت.

با زتاب اخبار وضعیت پناهندگان در کشورهای ترکیه، پاکستان و عراق در بعضی از رسانه‌های ارتباط جمعی

ارسال تلکس از جانب نمایندگی سازمان ملل استکهلم به کشورهای پاکستان، ترکیه و همچنین ژنود ارتباط با خبرآکسیون و اعلام خواسته‌ها بنظر تحقق آنها

تماس با بانکوک در ارتباط با آزاد پناهندگان زندانی و پذیرفته شدن آنان از طرف دولت سوئد

تماس با کشورهای دانمارک، هلند، نروژ، سوئد برای تحت فشار قرار دادن دولت ترکیه برای منع بازگرداندن و تحویل پناهندگان به رژیم جمهوری اسلامی

طرح مسائل مربوط به وضعیت پناهندگان ایرانی در سمینار تعیین سیاست پذیرش پناهندگی کفرانس کشورهای اسکاندیناوی

برخی از هواداران نیروهای سیاسی از جمله فقط ی هواداران راست‌گرا رتد ارکان این حرکت به پناهندگان کمپهای مذکور یاری رساندند.

۲- ملاقات با نماینده کمیساری عالی پناهندگی در سوئد

۳- انعکاس اخبار مربوط به وضعیت پناهندگان و آوارگان در راد یوتوبیو زین و مطبوعات سوئد.

د راطلاعیه "شورای تدارک آکسیون حمایت از پناهندگان و آوارگان ایرانی" که به همین مناسبت منتشر شد، است ضمن بوشمردن زمینه‌های عینی مهاجرت و آوارگی ایرانیان یعنی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و وضعیت ناهنجار، انتظار، فشارگرنگی، دستگیری، و حتی ترور پناهندگان در کشورهای پاکستان، ترکیه و...

و همچنین بی مسئولیتی شعبات پناهندگی سازمان ملل در کشورهای یاد شده است: "اینک ما بعنوان جمعی از پناهندگان ایرانی در سوئد از اعماق دل فریاد برمی آوریم و شمارا که طعم تلخ بی پناهی و آوارگی را چشیده‌اید به یاری می طلبیم. از همه وجدان‌های آگاه و بیدار، از شما یاران و هم‌ردان جهت شرکت در این اعتصاب غذای اعتراضی دعوت می‌کنیم."

اعتصاب غذای پناهندگان کمپهای "ساندویکن"، "هالستاها مار"، "آکسلوسوند"، و ۰۰ پس از ورود رتاریخ ۱۶/۹/۸۷ با

جمعی از پناهندگان ایرانی مستقر در کمپهای پناهندگی "ساندویکن"، "ناگشتا"، "هالستاها مار"، "سوراها مار" و "آکسلوسوند" با انتشار فراخوانی برای حمایت از آوارگان ایرانی در کشورهای پاکستان، ترکیه و... و مبارزه برای تامین مطالبات عادلانه آنان دعوت به اعتصاب غذای اعتراضی با اهداف زیر کرد هاند.

الف) افشای هرچه بیشتر ماهیت ارتجاعی و ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی، عامل اصلی آوارگی میلیون‌ها ایرانی.

ب) افشای محکوم نمودن رفتار غیر انسانی دولت‌های ترکیه، پاکستان و... در رابطه با آوارگان و پناهندگان ایرانی یعنی بربز ستگیری، شکنجه، آزار و استرداد آنان به ایران.

ج) جلب توجه و حمایت افکار آزاد و خواه‌آزاد اندیش و مجامع بین المللی طرفدار حقوق بشر در سراسر جهان نسبت به وضعیت پناهندگان و آوارگان ایرانی در ترکیه، پاکستان و عراق.

د) واداشتن سازمان‌های حقوقی بین المللی به اجرای تعهدات مصوب کنوانسیون ژنو.

اعتصاب غذا از تاریخ ۹ سپتامبر در محل میدان مرکزی استکهلم آغاز گردید و تا تحقق و تامین خواسته‌های زیر ادامه یافت:

۱- ملاقات با نماینده صلیب سرخ جهانی در سوئد

سوئد :

جاسوسان خمینی در لباس مترجم

داشته‌ام. "وی می‌افزاید که در او خرکراش از فرستادن مدارک به زبان اصلی خود داری کرده و در عوض خودش ترتیب ترجمه مدارک از زبان اصلی به سوئدی را داده‌است .

پترونیل به کرد هائیکه در رابطه با قتل اولاف پالمه در فوریه گذشته دستگیر شده‌اند اشاره نمود و می‌گوید که آنها به یکی از مترجمین پلیس مظنون بودند و می‌گفتند که او اطلاعات کسب شده را به مقامات ترکیه تحویل می‌دهد . به همین خاطر نوبل موضوع را با پلیس در میان می‌گذارد و دادستانی هم‌گروهی را مأمور تحقیق در این مورد می‌نماید اما گروه مذکور پس از مدتی به این دلیل که

پترونیل وکیل سابق پناهندگان و نماینده نام‌الاختیار دولت سوئد برای مبارزه با تبعیضات در جامعه، ضمن مصاحبه‌ای با روزنامه "د آگسز نی هتر" ۲۱ سپتامبر وجود جاسوسان در لباس مترجم ز جمله جاسوسان جمهوری اسلامی پرده برداشت . وی می‌گوید : "من در چندین مورد به این مسئله برخورد کرده‌ام که پلیس کشور ما در (کشور) که پناهندگان آنجا آمده‌است ، از آنچه که پناهندگان در جریان بازجویی‌اش با مقامات سوئدی در میان گذاشته‌است کاملاً با خبر بوده‌است . ایس‌دی در مورد دادخواست‌ها و نوشته‌های اتفاق افتاده است که من مستقیماً به اداره مهاجرین ارسال

امکان تشخیص مترجم مورد نظر مشکل است ، به کار خود پایان می‌دهد . وی در ادامه تاکید می‌کند "ما می‌دانیم که جاسوسی از پناهندگان سیاسی صورت می‌گیرد و چند کشور از جمله ایران بخصوص در این مورد فعالیت دارند . این مشکلی است که وجود دارد و این فعالیت ضد اطلاعاتی غیرقانونی است ، یک جرم که معمولاً مجازات سختی را بدنبال دارد ، بهمان اندازه که عملیات جاسوسی نظامی صنعتی ."

این در حالی است که در اداره مهاجرین سوئد گفته می‌شود که آنها هیچ شک و شبه‌بینی نسبت به مترجمین مورد استفاده ندارند . در اداره مهاجرین سوئد ۹ مترجم بطور ثابت مشغول بکارند و علاوه بر این تقریباً ۱۵ مترجم بطور پیمانی و موقت استفاده می‌شود .

* Dagen nyheter : پرتیرازترین روزنامه صبح سوئد

راهپیمائی و ۱۵ روز اعتصاب غذای پناهندگان ایرانی

آلمان فدرال - بایرن :

اعتصاب غذای اعتراضی را آغاز کردند . پس از مصاحبه مطبوعاتی و رادیویی ، اخبار اعتصاب غذای شافهوف در رادیوهای روزنامه‌های محلی متعددی از سوی انجمنها ، کانونها و تشکلهای دمکراتیک ایران در سا زما نهیای سیاسی ایرانی برای اعتصاب کنندگان فرستاده شد . از جمله سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته ، خراج کشور - واحد برلین و انجمنها و هواداران سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) فرانکفورت ، کمیته کردستان شهر فرانکفورت و اتحادیه هواداران تئوری مبارزه مسلحانه ... در خراج از کشور جزو حمایت کنندگان بودند . همچنین احزاب ، انجمنها و شخصیت‌های سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی متعدد آلمانی از اعتصاب بیون حمایت کردند ، از جمله : آگون لوتر ، رتا تاشمیت از نمایندگان سوسیال دمکراسی در مجلس بن ، آلن اولمزنا پنده ، حزب سبزها در پارلمان بن و تعداد زیادی از نمایندگان سوسیال دمکرات و حزب سبزها در مجلس ایالتی و شهردارینها حزب کمونیست آلمان ، سا زمان جوانان حزب کمونیست آلمان ، سا زمان جوانان سوسیال دمکرات ...

علیرغم حمایت بی نظیر افکار عمومی و احزاب مترقی و پوزیسین آلمانی در ایالت بایرن ، دولت دست راستی بایرن همچنان به بی‌توجهی و اعمال فشار روپراکنده کردن پناهندگان مبارز ادامه داد . اعتصاب بیون مبارز و مقامات پس از ۱۵ روز در یافت قولهای کتبی از مسئول اول حزب سوسیال دمکرات در ایالت بایرن مبنی بر پیگیری خواست پناهندگان بدعوت شورای هماهنگی حرکت اعتراضی پناهندگان بایرن ، به اعتصاب غذا و تحریم ۴ ماهه جیره غذایی تحمیلی پایان دادند .

ساکن خوابگاه "مارک لوتین" از ۱۶ سپتامبر دست به تحریم مواد غذایی زدند . خوابگاه در آکسبورگ خوابگاه دیگری در اطراف رگنزیبورگ ، پناهندگان ساکن "واپدن" ، پناهندگان خوابگاه تاپلتنس پس از راهپیمائی و اکتیون اعتراضی آمادگی خود را برای تحریم جیره غذایی اعلام نمودند . شرکت کنندگان در راهپیمائی شهر نورنبرگ به دعوت شورای هماهنگی حرکت اعتراضی پناهندگان ایالت بایرن در قطعنامه ، پایانی راهپیمائی اعلام کردند : "علیرغم لزوم پایداری به اصول دمکراسی و ارزشهای انسانی ، علیرغم شرایط مشخص غیرقابل تحمل در خوابگاههای قدیمی و کثیف و علیرغم مابینت تحمیل جیره غذایی - بی توجهی به خصوصیات فرهنگی و سن پناهندگان از ملیتهای مختلف - با اولیبه ترین حقوق انسانی ، دولت مردان و مسئولین امور همچنان بر سیاست اعمال فشار غیراصولی بر پناهندگان سیاسی ادامه می‌دهند . ما با نگرانی افکار عمومی مترقی آلمان را برای اعمال فشار بیشتر به مسئولین دولتی زیربند به یاری می‌طلبیم چرا که بی‌شماری شیوه‌های مبارزاتی پیشین - تحریم جیره غذایی ، راهپیمائی ، تحصن - بخش اعلامیه و رساله به نخست وزیر بایرن ، به ریاست اداره فدرال آلمان ، به کمیسیون امور پناهندگان سازمان ملل متحد ، سا زمان عفوبین - الملل آلمان ، ... به ۶۰ حزب سا زمان سیاسی و اجتماعی ، گروه ، محفل و شخصیت مترقی آلمانی و ایرانی هیچ راهی برای پناهندگان جز ادامه پیکار تا پیروزی با دست زدن به اعتصاب غذا در خوابگاه‌های شافهوف نورنبرگ ، اوفا اشتراسه کوبورگ ، لاندس هوت و موگندورف باقی نگذاشته است ."

بدین ترتیب ۳ نفر از پناهندگان ساکن از ۱۵ سپتامبر در کوبورگ ، ۱۵ نفر از ۱۶ سپتامبر در شافهوف و ۱۲ نفر از ۲۳ سپتامبر در لاندس هوت

متقاضیان پناهندگی در ایالت بایرن پس از ۴ ماهه بیکوت جیره تحمیلی غذا و روبروشدن بی توجهی سا زمان نیافته محافل حاکم بورژوازی آلمان در این ایالت ، برای پیگیری درخواست خود : ۱- کوتاه شدن مدت بلاتکلیفی و رسیدگی هرچه سریعتر به درخواستهای متقاضیان پناهندگی سیاسی و ارسال سریع پاسخ - ۲- انتقال از خوابگاهها به منازل مسکونی - ۳- تعویض حق انتخاب مواد غذایی با پرداخت پول بجای تحمیل جیره خشک ، روز ۱۵ سپتامبر مصادف با بازگشائی پارلمان ایالتی در شهر نورنبرگ راهپیمائی کردند . راهپیمایان با فریاد شعارهای "خوابگاه نه ، بسته غذایی نه" ، "بچه‌ها را از خوابگاه آزاد کنید" ، "زندگی در خوابگاه جهنم است" ، "مرگ بر جمهوری اسلامی" ، "مرگ بر خمینی" و "ما خواهان پذیرش پناهندگی ۱۴ شیلیائی انقلابی هستیم" خیابانهای مرکز شهر را طی کردند . در جریان راهپیمائی نمایندگان حزب سوسیال دمکرات آلمان و حزب سبزها در انجمن شهر نورنبرگ و یک کشیش مترقی سخنرانی کردند . راهپیمائی در میان شعارهای همبستگی نیروهای پیشروی آلمانی و گسترده با دهمبستگی بین المللی " با قراشت قطعنامه پایان گرفت . خیبر و راهپیمائی توسط رادیو فرانکن در روزنامه نورنبرگ تا غریبوتینگ به آکلی عموم رسانده شد .

در شهرهای دیگر ایالت بایرن نیز آکسیونهای مشابهی انجام گرفت . از جمله در "آکسبورگ" پناهندگان بعد از تظاهرات اعلام کردند در صورت عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان از اول اکتبر جیره غذایی تحمیلی را تحریم خواهند کرد . در شهر "رگنزیبورگ" ۲۶ نفر از ۲۸ نفر متقاضی پناهندگی ساکن خوابگاه پس از آکسیون اعتراضی به صف تحریم کنندگان جیره غذایی پیوستند . پناهندگان

نمی‌توان چپ بود...

انقلاب است یا دست کشیدن از ضدیت با حزب توده؟ زیرا این دورهنمودنه تنها یکی نیستند بلکه در اغلب موارد مقابله هم قرار دارند یعنی بسرای اجتناب از افتادن در ورطه ضدانقلاب باید حتماً ضد توده‌ای بود. با یک نگاه گذرا به مواضع این حزب نسبت به گذشته ضد انقلابی اش می‌توان پاسخ سوال را داشت که از نظر حزب توده غلطیدن در منجلاب مسئله عمده نیست بلکه ضد توده‌ای نبودن مسئله اصلی است. این پاسخ روشن را خود حزب خیلی پیش از این‌ها و در رابطه با رژیم اسلامی داده است. و آن هنگامی بود که نوبت به سرکوب حزب توده رسید. تا پیش از این زمان رژیم اسلامی یک رژیم مردمی و انقلابی ارزیابی می‌شد، ولی به محض اینکه لبه‌سازان جلادان آن گردن حزب را هم لمس کرد تغییر ماهیت داده و به رژیم فاشیستی و ضد انقلابی تبدیل شد. بعبارت دیگر ما هیتلر این رژیم را بداند از روی اعمال و سیاستهای آن در برابر طبقه کارگر، انقلاب، و دموکراسی تعیین نمی‌کردید بلکه معیار سنجش حزب توده بود! بدین ترتیب برای اینکه تشخیص بدهیم اصولاً این رژیم "منجلاب" و "ورطه" هست یا نه باید مقدمتاً ببینیم با حزب توده چه رفتاری می‌کند!

علیرغم اینکه دیدیم بررسی فاکت‌ها خلاف نظر و منظور حزب گواهی می‌دهند و ضدیت با این حزب نه تنها دلیلی بر درو شدن از اهداف انقلاب نبوده بلکه خود یک محصول تبعی پیروی خط مشی انقلابی است، ولی با اینهمه با درو شدن کنیم چرا این حزب در چنین شائبه‌ای بسر می‌برد و اینها اتکا به کدام پشتوانه چنین ادعای بزرگی می‌کنند. واقعیت آنست که حزب توده در یک "سوء تفاهم" بزرگ قرار دارد. گمان که حزب توده برای نیست که اگر خود را به درگاه اردوگاه سوسیالیستی بیا ویزد از ابتلا به هر بیماری درمان خواهد بود و با عضویت در این خانواده کارت بی‌عده ما دام العمر دریافت خواهد کرد. و از همه مضحک تر اینکه ضدیت با حزب، به معنای ضدیت با اردوگاه و انمود می‌شود. در مورد این نکته همین قدر کافی است به تجربه چند سال اخیر جنبش و بویژه مواضع راهکارگر نظر ببیند رژیم که علی‌رغم مبارزات پیگیرانه اش علیه رژیم حزب توده‌ای ذره‌ای به حقانیت سوسیالیسم و دیکتاتور پرولتاریا تردید نکرد و دقیقاً به موازات شدید مبارزه با اپورتونیسیم راست بر مواضع لنینی دفاع از اردوگاه سوسیالیستی استوار تر شده و در همین مورد هم تفاوت اساسی میان دفاع خود از اردوگاه و محتوای سیاسی دفاع نوع حزب توده‌ای را روشن تر ساخت و نشان داد که تعهد راهکارگر به انترناسیونالیسم پرولتری و دفاع از اردوگاه سوسیالیستی بر مبنای دفاع مشترک و تعهد مشترک به دیکتاتور پرولتاریاست و میزان دوری و نزدیکی ما با احزاب کمونیست در جنبش جهانی با میزان

با بیندگی آنها به همین اصل تنظیم و تعیین می‌شود. و این همان اصل راهنما است که سیاست عملی راهکارگر را در بر خورده با مسائل انقلاب و طبقه کارگر ایران تا کنون تعیین کرده است. حال با توجه به این معیار می‌توان دریافت تفاوت حمایت ما از اردوگاه با حمایت حزب توده که حتی از نام دیکتاتور پرولتاریا وحشت دارد تا چه میزان است. ثانیاً، و از همه مستدل تر، در عمل ثابت گردید و بیختم به اردوگاه سوسیالیست هیچ ضمانتی برای مصون ماندن از سموم اپورتونیسیتی و سرنگون شدن در با تلاق ضد انقلاب ایجاد نمی‌کند. و چنین حزبی فقط لکه ننگی بر دامن جنبش جهانی کمونیستی خواهد بود. ثالثاً این ادعای پوسیده حزب توده که مخالفت با حزب توده سرانجام به مقابله با اردوگاه می‌انجامد حتی در میان طرفداران او در اردوگاه هواخواه ندارد. بنا بر این می‌ماند این سؤال که حزب توده چه کسی را می‌خواهد از راه بدر کند؟ چه کسی قرار است از این هشدار بترسد؟ این نقطه بهیام در سراسر مقاله "نمی‌توان ضد توده‌ای بود" "چپ" وجود دارد. طبق معمول حزب مخاطبانش را در سایه قرار داده و معلوم نمی‌کند طرف "مبارزه ایدئولوژیک" اش چه کسانی هستند. مقاله در انتهای خود از نیروهای "چپ مومن" و "مادق" نام می‌برد و به آنها هشدار میدهد که نباید به "ورطه" ضد توده‌ای بودن بغلتند و با آن بدتر، غلتانده شوند! البته در این ناگفتن هم عمدی وجود دارد و حزب برای هویت ندادن و بزرگ نکردن و حتی برای آب ریختن بر سر آتش که در تیف توده‌ای برپا شده است چنین سخن می‌گوید.

نفرت از حزب توده و تلاش برای خروج از ورطه‌ای که نزدیک به هفت سال بخش بزرگی از چپ را در منجلاب خود فرو برد اکنون ابعاد گسترده‌ای بخود گرفته و توده وسیعی از نیروهای سازمان اکثریت را برای تحفه حساب با نشی خبانت کارانسه و اپورتونیسیتی به تکان آورده است. این آتشی است که هر دم شعله ورتر می‌شود و هستی حزب توده و بنیادهای پوسیده اپورتونیسیتی اش را تهدید می‌کند. حزب توده برای جلوگیری از شعله ور شدن این آتش و روند بیداری در صفوف این سازمان هیچ سلاح کارا بیندی ندارد. و در واقع اپورتونیسیم در برابر پیش روی مشی انقلابی خلع شده است. به همین دلیل است که بجای بحث ایدئولوژیک به شیوه‌های سرکوبگرانه و تهدیدآمیز روی می‌آورد و روی نقطه‌ای دست می‌گذارد که بواسطه پرورش چند ساله این نیروها در مکتب حزب توده محل بروز تردیدهای ایدئولوژیک جدی است، یعنی همان چماق ضدیت با اردوگاه. این تنها نقطه اتکالی است که حزب یکمک آن می‌خواهد خود را از زیر ضرب خارج کند. بدیهی است اگر نیروهای معترض در درون اکثریت در اینجا از خود نقطه ضعف نشان دهند، نخواهند توانست خود را از چنگال تار عنکبوتی حزب خلاص کنند، حتی اگر در چارچوب تشکیلاتی دیگری قرار یافته باشند. فراموش نکنیم "حزب

توده بیش از هر چیز و بیش از هر چیز در برنا مسه و تاکتیک آن معنا دارد". حزب توده امروز می‌خواهد از آموزش‌ها بی‌کفایتی طی چند سال گذشته آموخته است بهره برداری کند. بنا بر این اگر با این آموزش‌ها و مبادی و اصول اپورتونیسیتی آن در ترمای عرصه‌ها تصفیه حساب نشود، حتی در فقدان حزب توده می‌توان توده‌ای‌ها قی ماند. در رابطه با مسائل انترناسیونالیستی که حزب توده گمان می‌کند در آنجا نقطه قوتی دارد، همانطور که مکرر از طرف ما بیان شده و تاریخ واقعی احزاب انقلابی موبد آنست، باید بخاطر طرقات خصلت انقلابی یک حزب سیاسی نه از روی روابط بین المللی آن بلکه از روی پراتیک واقعی آن در مبارزه طبقاتی درون کشور خویش مشخص و تعیین می‌گردد. بنا بر این، این استدلال که مخالفت با حزب توده و اپورتونیسیت نداشتن آن به معنای اپورتونیسیت قلمداد کردن کلیه احزاب اردوگاه سوسیالیست می‌باشد، حرفی بی‌پایه و شایه ناه است.

همانگونه که در ابتدای مقاله گفته شد، هدف حزب توده از اطلاق مفهوم "مد توده‌ای" به تمامی مخالفین خود مسخ محتوای خط مشی انقلابی و همسان قرار دادن آنها با جریانات منحرفی است که بدلیل دیگری حزب توده مخالفند. بنا بر این برای روشن کردن مضمون "ضدیت مشی انقلابی با حزب توده با بیداری و رشد که این مخالفت بر مبنای مبارزه با اپورتونیسیم مشی رفرمیستی حزب توده قرار دارد و به همین خاطر باید فرمول موزرانه "نمی‌توان ضد توده‌ای بود و چپ" را بدین گونه اصلاح کنیم که: نمی‌توان "چپ" بود و ضد توده‌ای نبود. ■

ادامه از صفحه ۳

روش فعالیت در کانونهای...

مستمر توده‌ای است. در حد فاصل دو اعتمساب اتحادیه فاقده مضمون کار نیست، کار تبلیغ و ترویج، جمع آوری نیرو، تدارک سازماندهی وصل کردن و گره زدن گروههای مختلف کارگری به یکدیگر، آموزش و پرورش نیروهای جدید، جلب نیروهای حاشیه‌ای و به میدان نیامده، تحقیق و مطالعه روی شعارها و مطالبات، بحث و بررسی اشکالات و نقطه ضعفها، یافتن اشکالات و ابتکارات جدید فعالیت، ارتقاء سبک کارور رهبری، همه اجزاء مهم یک فعالیت به هم پیوسته است که در یک نقطه معین بصورت یک اعتماب نقشه مند یا شکل دیگری از مقاومت کارگری خود را متجلی می‌سازد. ولی سبک کار در کانونها یا ابدایین روند را طینی نمی‌کنند به شکل بسیار ناقص، سبک جانیه و سرسری به مورد اجرا در می‌آید. بنا بر این است که بسیج‌های ما حتی هنگام طرح مبرمتری شاعرها با موفقیت همراه نیست، و توده پنهان گان با آکسیون‌های ما بیگانه هستند و آن به مثابه حرکتی توطئه‌گرانه و مسئله‌ای مربوط به یک گروه خاصی می‌نگرند. ■

آلمان فدرال: جنبش طبقه کارگر علیه بیکاری

برگیرنده بخش قابل ملاحظه‌ای از طبقه کارگر می‌باشند.

بحران صنایع فوق از آغاز دهه هشتاد وارد مرحله جدیدی شده است که مشخصه اصلی آن، بیکاری - سازی وسیع کارگران و خواباندن ویا برچیدن ظرفیتهای تولیدی می‌باشد. اما در اتحادیه معدن - چیان آلمان فدرال بخوبی ابعاد بیکاری سازی فزاینده‌ای را که معدنچیان با آن روبرو هستند نشان می‌دهد. طبق آمار سال ۱۹۷۰ به این سو با کاهش تولید سالانه ذغال سنگ به مقدار ۳۰ میلیون تن، ۱/۲ معدنچیان بیکار شده اند و در طی همین دوره مصرف داخلی ذغال سنگ به مقدار ۲۷٪ کاهش یافته است. مطابق همین آمار در طی ۷ سال آینده با کاهش تولید ذغال سنگ به مقدار ۲۵ تا ۳۰ میلیون تن، حداقل ۶۰۰۰۰ کارگر معادن ذغال سنگ و ۸۰۰۰۰ کارگر صنایع وابسته به آن بیکار خواهند شد. بطور خلاصه در طی دودهمه پیش از ۲۰۰ هزار کارگر معدنچی و صنایع وابسته به آن بیکار شده و خواهند شد. اما راهی مربوط به صنایع فولاد نیز وضعیت مشابهی را نشان می‌دهند. مثلا در طی نیمه دوم دهه ۷۰ حدود ۱۷۰ هزار کارگر فولاد سازی کار خود را از دست دادند و همین روند با راهی نوسانات همچنان ادامه دارد تا جایی که برای سال جاری و اوایل سال جدید میلادی، بیکاری در حدود ۵۰ هزار کارگر فولاد سازی پیش بینی شده است. اما بعد از این بیکاری سازی در صنایع فولاد در طی سالهای هشتاد گذشته از کاهش مصرف ذغال سنگ و استفاده وسیع تر از منابع انرژی دیگر، کاهش عمومی مصرف فولاد و استفاده از مواد دیگر به جای آن و نیز بیکاری ریزه‌ریزی‌های تولیدی و ماشین آلات پیشرفته در هر دوره رفته رفته می‌باشد که در متن بحران عمومی سرمایه داری و فقدان اشتغال جایگزین، کارگران را در مقابل خطر بیکاری دائمی قرار داده است.

در حالیکه شرکت‌های بزرگ تولید ذغال سنگ و فولاد دولت آلمان فدرال، سیاست برچیدن بخش بزرگی از ظرفیتهای تولیدی و مدرنیزه کردن بقیه را در پیش گرفته اند، در بیشتر موارد این سیاست با مقاومت اتحادیه‌های کارگری و در مراکز اصلی تولید ذغال سنگ و فولاد با مقاومت ساکنین این مناطق روبرو هستند. این مقاومت همه جا نبوده و ماهی‌ها اخیراً نچنان گسترده شده است که دولت آلمان اکنون سیاست اظهار "همدردی" و دادن وعده و وعید را در پیش گرفته است بدون اینکه پاسخی روشنی به هیچ یک از درخواستهای کارگران داده باشد. در حالیکه وزیر اقتصاد آلمان، کارگران معتزف را متهم به "نهمیدن" اظهاراتش در باره زائاد بودن صنایع فولاد و ذغال سنگ کرده و حتی چنین اظهاراتی را منکر شده است، وزیر کار را این کشور که می‌بایست نقش اصلی را در دفع الوقت و اظهار همدردی‌های بدون مالیات با کارگران بازی کند، به سختی می‌تواند در جمع کارگران با "کنسرت سوت"

و اعتراضات آنها مقابله کرده و اظهارات عوام - فربیا نه خود را به پایان برساند.

اما اتحادیه‌های کارگری برای وضعیت فوق پاسخ روشنی ندارند. فدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری آلمان از پانزده سال، کارزار تبلیغاتی بزرگی را شروع کرده که در گذشته طی آن خواسته‌های اساسی آن برای مقابله با بیکاری سازی - که منحصر به صنایع سنگین نیست - مطرح می‌شوند. از جمله این خواسته‌ها، کاهش ساعات کار هفتگی، استفاده از امکانات تولیدی صنایع در معرض نابودی برای تنبیر ساخت اقتصادی و در نتیجه ایجاد امکانات جدید کار اختصاصی دادن سالانه ۲۰ میلیارد مارک از سوی دولت برای ایجاد کار می‌باشد. اتحادیه فلزکاران آلمان نیز در برنانه خود، مخالفت با سیاستهای بازار مشترک اروپا در باره کاهش ظرفیتهای تولیدی در صنایع فولاد، قرار دادن سیاست ایجاد کار در مرکز سیاست تنبیر ساخت اقتصادی، ایجاد موسساتی با هدف حفظ و ایجاد کار (با سرمایه شرکت‌های بزرگ و دولت)، مشروط کردن کلیه بیکاری‌ها به توافقات سه جانبه کارگران، دولت و سرمایه داری، ایجاد کمیسیون‌های برای برنانه‌ریزی در مورد صنایع فولاد با شرکت اتحادیه‌ها، ملی کردن این صنایع و ایجاد یک شرکت دولتی فولاد، مشروط کردن کمکهای مالی دولت به صنایع فولاد به ایجاد اشتغال جایگزین از سوی این صنایع، تقلیل کار هفتگی به ۳۵ ساعت کار بدون کاهش حقوق و پانزده روز در سن بازنشستگی را پیشنهاد می‌کند. رهبران اتحادیه در سخنرانی خود در نظر هرات ۱۵ سپتامبر در شهر آسن، ضمن بر شمردن خواسته‌های کارگران، روبرو روئی آتی دولت با کارگران مبارزه‌جو، جنبش تمام عیار را اجتماعاً در مراکز صنایع فولاد و اتحادیه کارگری آنها را در صورت برآورده نشدن این خواسته‌ها یادآور می‌کند. براساسی نیز کارگران صنایع فلزی و اتحادیه فلزکاران آلمان رزمنده‌ترین و پیشروترین بخش کارگران را تشکیل می‌دهند. این بخش از طبقه کارگر در طول ۵ سال حکومت هلموت کهل، پرچمدار خواسته‌های پیشرو و در رأس آنها ۳۵ ساعت کار هفتگی بوده است و اکنون با طرح دوشمارا ۳۵ ساعت کار هفتگی و ایجاد اشتغال جایگزین، خود را برای دور جدیدی از مبارزه آماده می‌کند. این دوشمارا بدون شک نه فقط در مبارزه کارگران ذغال سنگ و فولاد و کشتی سازی، بلکه در مبارزات آتی طبقه کارگر اروپا اهمیت بسیاری کسب خواهند کرد. زیرا بیان فشرده پاسخ طبقه کارگر به کلیه راه‌حلهای است که سرمایه داری و دولت برای حل بحران ارائه می‌دهند بحران‌هاست که در عین حال در بحبوحه یک انقلاب عظیم فنی و تکنولوژیک صورت می‌گیرد و خود همه تفادهای ذاتی نظام سرمایه داری را عریان می‌کند. این نظام که علیرغم در اختیار داشتن امکانات تولیدی، مادی و تکنولوژی پیشرفته، برای حفظ سودآوری اقدام به بیکاری

توده‌ای و توده‌گیر کردن فقر و فلاکت نسبی کارگران از یک سو و ادامه‌پذیری ارزش‌افزایی از طریق ساعات کار طولانی می‌کند، اکنون در مقابل اعتراض کارگری قرار دارد که حق کار برای همه از طریق کاهش ساعات و ایجاد اشتغال جایگزین را می‌طلبند و برای آن می‌رزمند و بدین ترتیب از حقوق زندگی و استفاده نمودن از نعمات مادی که خود تولید می‌کنند دفاع می‌کنند. جنبش ۳۵ ساعت کار هفتگی که اکنون با شعار ایجاد اشتغال جایگزین همراه شده است راه‌حلی است که طبقه در مرحله کنونی در برابر راه حل سرمایه داری - که چیزی جز بیکاری سازی مداوم جهت حفظ نرخ سود نمی‌باشد - قرار می‌دهد.

دو خبر از اشتغال کارخانه

در آلمان فدرال

۴۰۰ نفر از کارگران کارخانه ابزار سازی پروما در شهر اشوگر، اکنون نزدیک به یک ماه است که برای حفظ مشاغل خود کارخانه را اشغال کرده و ضمن خلع بد عملی از مدیر کارخانه و سپردن اداره کارخانه به شورائی کارگران و اتحادیه فلزکاران، با کمزردن گروه‌های مراعات در کارخانه و کشیک شبانه، از تعطیلی کارخانه - که هنوز مشغول تولید است - و حمل ماشین آلات آن جلوگیری می‌کنند. این اقدام کارگران با حمایت وسیع اهالی منطقه روبرو شده و هنوز مشخص نیست که ما حبان کارخانه به چه عملی متقاضی دست خواهد زد. مشابه اقدام کارگران فوق، در شهر اسلار در کارخانه اشینگس توسط ۱۷۰ کارگر این کارخانه به هدف حفظ مشاغل خود صورت گرفته و از حمایت اهالی شهر نیز برخوردار است. اشتغال کارخانه اشینگس اکنون وارد هفتمین هفته خود شده است.

تصمیم به اشتغال کارخانه توسط کارگران کارخانه‌های فوق که اکثریت بزرگ آنها عضو اتحادیه هستند، پس از ماه‌ها درگیری با مدیریت و صاحبان کارخانه گرفته شد و نتیجه برداشت کارگران از غیر کار بودن شیوه‌های دیگر مبارزه بود. این گونه اقدامات اگرچه در سطح کارخانه کوچک اهمیت زیادی ندارد، اما نشان‌دهنده اراده کارگران برای حفظ اشتغال و مبارزه جوشی آنهاست. در سالهای گذشته تا کتیک اشتغال کارخانه در آلمان فدرال در جریان اعتراضات اوگوست ۱۹۸۳ توسط کارگران کشتی سازی بکار گرفته شد و شوک بزرگی به سرمایه داران، دولت و حزب رفرمیست وارد کرد. اما پس از آن، این اولین بار است که موارد تا کتیک اشتغال کارخانه توسط کارگران نگذارش می‌شود. بدون تردید در مبارزات آتی که کارگران صنایع فلزی آلمان برای حفظ اشتغال و مبارزه با بیکاری توده‌ای در پیش دارند و در پیگیری تحمیل خواسته ۳۵ ساعت کار هفتگی و ایجاد اشتغال به سرمایه داران از تجربیات اشتغال دو کارخانه فوق خواهد آموخت.

هفته مخالفت با ...

فرانسه - پاریس :

د اعتراض به هشتمین سالگرد جنگ شوم ایران و عراق روز شنبه ۲۶ سپتا مبراً زسوی کمیته ضد جنگ ایران و عراق ، شب شعرو سخنرانی در پاریس ترتیب داد هشد . د راین برنامہ از شخصیت ها و هنرمند ان متعهد ایرانی ، رضا مرزبان ، نعمت آرم ، پرویز وصیا ، حسن حسام ، غفار حسینی - م سحر - بتول عزیزپور عوت بعمل آمد ه بود . برنامہ با سخنرانی آقای رضا مرزبان آغاز شد و با شعر خوانی د یگر هنرمند ان تا پاسی از شب اد امیافت ، استقبال تعد اد کثیری از ایرانیان مقیم پاریس از این مراسم ونوعه های مشابه دیگری از این برنامہ ها و آکسیونهای ضد جنگ د رسراسرا روپاکا ز طرف کانن ها وانجن - های د موکراتیک واتحاد عمل سا زمان های چپ و د مکررات سا زمانه هی شده است ، حرکت هماهنگ و اعتراضی عمومی ایرانیان ترقیخواه خاسج از کشور علیه این جنگ ارتجاعی وفلاکت زارانشان می دهد . بی شک این اعتراضات وافشاگریها افکار عمومی راتحت تاثیر قرار می دهد وفشار معینی را بر سیاست های جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی واری آورد .



برلین غربی :

تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق روز ۲۶ سپتا مبر ۱۹۸۷ به دعوت کمیته هماهنگی نیروهای مترقی ایرانی متشکل از : سا زمان دانشجویان ایرانی د رآلمان فد رال برلین غربی - هواد ارسا زمان چریکهای فدائی خلق ایران ، هواد اران سا زمان وحدت کمونیستی در اروپا - برلین غربی ، پیکا رگر - برلین غربی ، جریان انقلاب سوسیالیستی - برلین غربی و هواد اران سا زمان ما بر گزار گردید . تظاهرات از یکی از میدانهای مرکزی شهر آغاز شد و از خیابانهای پر جمعیت عبور کرد و اعلامیه راهپیمایی د ر مناطق پر جمعیت د مسیر حرکت چندین بار خوانده شد . بیش از ۲۰ نفر د ر این تظاهرات شرکت کردند .

تحصن برای حمایت از زندانیان سیاسی ایران

سوئد - استکهلم
 بدعوت " کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران " بتا ریخ ۸۷/۹/۱۲ عده ای از زندانیان مبارز در ساختمان مرکزی رادیو استکهلم به منظور اعتراض بر علیه جمهوری اسلامی و حمایت از خواسته های بحق زندانیان قهرمان سیاسی با خواسته های :
 ۱- اعزام بک هیات بررسی (حقوقی - پزشکی) از طرف سازمانهای بین المللی به ایران جهت باز دیدار زندانیان و رسیدگی به وضعیت زندانیان
 ۲- محکوم نمودن رژیم زسوی نماینده سوئد د ر سازمان ملل
 ۳- شکست سیاست بایکوت مطبوعات در ارتباط با مسائل زندانیان سیاسی ایران ، دست به تحصن زدند .
 متن قطعنامه درهما تروز چندین مرتبه از رادیو بخش گردید و همچنین خبرانجام این تحصن در دوروزنا مه پرتیرا سوئد با زتاب یافت .
 متحصنین با دست یافتن به بخشای خواسته های خود پس از ۳ ساعت به تحصن خویش خاتمه دادند .

اعتصاب غذا برای مخالفت با جنگ

مترقی مخالف جنگ طلوا با اعتراضی علیه حمایت د ولت آلمان از رژیم جمهوری اسلامی را امضا کردند . کانونها وسا زمانهای زیر از این حرکت حمایت کردند :
 ۱- انجمن ایرانیان - مابن وحومه
 ۲- انجمن ایرانیان کوبلنز وحومه
 ۳- انجمن ایرانیان - زیگن
 ۴- هواد اران سا زمان فدائیان خلق ایران - واحد فرانکفورت
 ۵- کانن د مکرراتیک ایرانیان مقیم شهر اوستات
 ۶- هواد اران سا زمان کارگران انقلابی ایسرا ن (راه کارگر) هسته چهارم پتیر (بن)

آلمان فدرال - وستروالدکرایز

۲۰ نفر ازیناهندگان سیاسی ایرانی مقیم وستروالد کرایز برای ابراز مخالفت با جنگ جهانی ایران و عراق ، افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی و بسیج هر چه بیشتر افکار عمومی علیه اد امه جنگ از روز ۲ تا ۲۶ سپتا مبر د رمید ان "کنراد آد نافر" شهر "مونتابا و" مرکز کرایز وستروالد د ست به تحصن و اعتصاب غذا زدند .
 فرد ای روز اعتصاب غذا ، رسانه های عمومی خبر اعتصاب را منعکس کردند و مرد مبه د یس د ر اعتصاب کنندگان آمدند . چهار روز تمام روزنامه های محلی بطور تفصیلی راجع به اعتصاب غذا نوشته واهد اف آن را ذکر کردند . ۲۵۰ نفر از آلمانیهای

اطلاعیه

بیش در سراسر شیب سقوط قرار داده است . در چنین شرایطی وظیفه همه نیروهای مترقی و انقلابی است که با احساس مسئولیت بیشتر حرکتهای اعتراضی مشترکی برای خاتمه جنگ سا زمان دهند . هواد اران سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در کپنهاک به همین مناسبت در جلوی سفارت جمهوری اسلامی آکسیون فدجنگ برگزار میکنند ، از عموم هم میهنان مبارز دعوت بعمل می آید که در این حرکت اعتراضی شرکت نمایند .

زمان : جمعه ساعت ۴ بعد از ظهر ۲۵ سپتا مبر ۱۹۸۷
 مکان : جلوی سفارت جمهوری اسلامی در کپنهاک
 هواد اران سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - داسارک ، ۲۵ سپتا مبر ۸۷

هم میهنان مبارز و نیروهای مترقی و انقلابی !
 رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ایران در ماه های پایانی هفتمین سال جنگ ارتجاعی ایران و عراق با سیاستهای ماجراجویانه و جنگ طلبانه خود پای کشورهای امپریالیستی را به منطقه باز کرد و بدینوسیله جنگ را وارد فاجعه جدیدی ساخت . در نتیجه منازعات ارتجاعی دور رژیم جنایتکار خمینی وسعودی ، امکان گسترش جنگ هفت ساله ایران و عراق به سطح منطقه افزایش یافته و اکنون بیش از هر زمان دیگر به یک خطر جدی تبدیل شده است .

فشار افکار عمومی جهان وسا زمانهای بین المللی برای خاتمه جنگ ، کشمکشهای درونی حاکمیت فقه و گسترش بحران اقتصادی ، در آغاز هفتمین سال جنگ ، رژیم جمهوری اسلامی را بیش از

کشازمه پرده ديگري از جنايات جمهوري اسلامي

در میان گرد و غبار دعوا میان رژیم جمهوری اسلامی و عربستان سعودی بر سر کشتار زائرین مکه هر روز حقایق تازه تری روی می شود . و آنچه در این جنگ تبلیغاتی فاش می گردد ماهیت تبهکارانه جمهوری اسلامی است .

حقایق موجود نشان می دهد که عربستان سعودی پیش از راهپیمایی سرپرست حجاج ایرانی و دیگر مقامات رسمی رژیم به جد اخطار کرده بود که مراسم راهپیمایی اجرا نشود و از طریق کانال های واسط هم تاکید کرده بود که مانع از انجام آن خواهد شد . کانال واسط این اخطار بطوری که چند روز بعد شخصا در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام نمود " تورگورت اوزال نخست وزیر ترکیه بوده است . اوزال فاش می سازد بیست و چهار ساعت قبل از برگزاری راهپیمایی به مقامات ارشد جمهوری اسلامی اطلاع داده است که عربستان مانع از انجام آن خواهد شد و پیشنهاد می کند این راهپیمایی انجام نگیرد . بدین ترتیب علیرغم یاه سرایش های خمینی ، عربستان سعودی تصمیم خویش را

دیر بر ممانعت از برگزاری مراسم راهپیمایی به طریق رسمی و غیر رسمی علنا اعلام کرده بود . اما گردانندگان مراسم به فریب واغواي زائرین می پردازند و می گویند شدت عمل پلیس حد اکثر شکستن چند سرودست است : " به مسئولین انتظامات توصیه شده بود که مدارا هم بکنند اگر چه ممکن است پلیس هم از خود خشونت نشان دهد ولی آنها توجیه شده بودند که جواب این خشونت ها ، خشونت نیست . چون ارزیابی که از این خشونت ها می شد این بود که حد اکثر همانند سال های گذشته چند دست و پا یا سرشکسته داشته باشد . " (کیهان ۲ / ۶ / ۶۶) فخرالدین حجازی اما بهتر از دیگران نقشه رژیم را بر ملا می کند ، او گزارش می دهد که " پیشاپیش این جریان پرشور ، جانبا زانی که دست و پا و چشم در راه جنگ با کفر و نفاق باخته بودند بعنوان پرچم ستمدیدگی امتی انقلابی بر روی چرخ های دستی به حرکت آمدند و پس از آن موجی از زنان مومن و عفیف در حجاب سیاه عفاف و ایمان براه افتادند . مادران چهار شهید داده و همسر از دست داده . . .

(کیهان ۲۶ / ۵ / ۶۶) گزارش جامع تلفات مکه تعداد کشته های ایرانی را ۲۰ نفر اعلام می کند که از این عده ۱۰ نفر زن بوده اند و اغلب مرد ها هم از معلولین صرف نظر از اینکه هیچ توجیهی برای جنایت سعودی هاد رکشتار انسان هائی که بازچه رژیم فقها شده اند وجود ندارد اما سیاست جنایت کارانه رژیم جمهوری اسلامی که هیچ فرصتی را و هیچ وسیله ای را برای تحقق هدف های ارتجاعی خود بدون استفاده نمی گذارد قابل تعمق است . آنها در حالیکه میدانستند پلیس سعودی قصد خشونت دارد و خشونت پلیس سعودی و دزدان همگان است باز هم زقره پانیان جنگ اتجلی بهو میگیرند و تن غلیل و فلج آنان را سپر ضرب و شتم مزدوران سعودی قرار می دهند تا از اجساد آنان خبوراک تبلیغاتی فراهم آورند . تا با برانگیختن احساسات مذهبی مردم علیه با اصطلاح کفار ذهن توده ها را متوجه تضاد های واهی کنند و نیروی آنها را برای شعله ورتز کردن آتش جنگ مورد استفاده قرار دهند .

مترن کمالی در نوشتن این نوشتن نویسنده نیست.

"درگزیرمیرد آنکه دل زنده باشد به عشق" شیت است در ریست عالم دوام ما

تذکار : اگرین در این نبرد کوچک با آتش ، از یاد آمد مد وست در ارم رفقایم و همه دیگران بد اند که هنگام نوشتن این یاد داشت چقدر از زندگی سرشار بود هام ، به تا ز ناب لطفی گوش می دادم ، شرابی گس می نوشیدم ، هر از گاه گلپای لطیف و زیبای روی میز تحریر مرا می بوئیدم ، یکسره به تصویر زنی که به او عاشقم و لید بیرونا زین ترا آتش ، تار لطفی ، شراب گس و گل است ، نگاه میکردم و اکنون نیز "عاشقانه" بی از سلطنا نپور خواهم خواند ، گریزی به جهان حافظ خواهیم زد ، بعد نامه های برای او . . . و نامه هایی برای د و فرزانه نازنین دیگر که به آنها عاشق هستم ، زویا و بیام ، خواهم نوشت ، بیبی چاق خواهم کرد ، امشب حتما با بخشی از " نان آن سالها "ی های نیش بیل یا قصه بی از مرتضی میرا فتابی را خواهم خواند . . . در تمام این مدت به مادرم و خان ناهید فکر کرده ام و امید آنم که در روز آینه همه چیز آنها فکر خواهم کرد . امید وارم که مراد رک کنند . رفیقم . . . مدعی است که بودن من در بر بخش ترا زینود نماست ! به او گفتم دست نازنین اگر همه ی عشاق چنین می اندیشیدند و استدلال می کردند ، قرنهای پیش زندگی و بهنارسزه تعطیل می گشت !

. . . یک لحظه فراموش نخواهم کرد که زندگی چقدر زیباست اگر چه در ایران ، آفریقای جنوبی ، کردستان ، فلسطین ، شیلی ، ال سالواد و ورو . . . رود های خون جاری است .

بارد یگر بر این اعتقاد پای می فشارم که اگر ما هنرمندان را ندانیم ، در گزینش زیستن و عشق ورزیدن را کامل فراموش خواهیم گرفت و این با شهدات به فهم مذهبیبی در تضاد کامل است .

به عنوان اعتراض به حضور خا منهای جلا در سا زمان ملل متحد ، و نیز اعتراض به سیاستهای خارجی اوترا راست دولت ریگان ، و همچنین اعتراض به عملکرد زهر آلود جوجه فاشیستهای شاه الهی که همچنان در ضدیت با خلقهای ستمدیده های ایران پای می فشارند ، خود را به آتش می کشم .

به استقبال مرگ نمی شتایم ، چرا که عاشق مرگ نیستم و به زندگی "در راستای باقی" هم اعتقاد ندارم . اما به ناگزیر در راه مرگ می میرم . در ارم چون عاشق زندگی ام ، و نیز مانند هر جهان سومی مسئول دیگر ، نیک می دانم که : " آنکس که جهان نداده به جانان نمی رسد " .

د روغ گفته ام اگر بگویم که نمی ترسم و نیز اگر می شوم که هد قشهادت است . اما اگر ضرورتش ایجاب کند مرگ را می پذیرم و آنوقت شاید برای یک لمحۀ تاثیروری داشته باشم . خون من رنگین ترا ز خون خلق کرد ، یا زنان حالمه بی که اعدا شده اند و یاد خترانی که به شنیع ترین اشکال شکنجه می گردند (و یا حتی آن زنانی که در پستوی آذهان بیمار فرهنگ مذهبی مرد ایرانی اسیر هستند) ، نیست ، اگر چه شجاعت ، ایمان و بزرگی آنها را ندانم و بطریق اولی به انداز آنها عاشق نیستم . تنها سرمایه من در زندگی بی حاصلم ، صد اقمه بوده است و تنها دلخوشی ام این بود که هست که زنده به آن بودم که آرام و قرار نداشتم . همین .

مرگ برام میریالیسم جهانی به سرکردگی امیرالیزم آمریکا
مرگ برنظام ولایت فقیه
نا بود باد بقایای خرد ستمشاهی
د رود به زندگی
د رود به آزادی
د رود به خلقهای مبارز و زور نچید به جهان سوم
د رود به ایران و همه خلقهای ستمکش آن
د رود به نیروهای انقلابی و چپ ایران و جهان
د رود به کمونیزم
پیش بسوی تشکیل حزب ود ولت عشق
نیوشا فرهی
عاشق ، دردمند ، منتقد
هواد ارسان زمان چریکهای فدایی خلق ایران
یکشنبه ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷ ، تبعید (لوس آنجلس) .

پاینده یاد دولت عشق
ن . ف
جمعه ۱۸ سپتامبر
خانه کتاب ایران ، وست و و د

سفر ایش هونکر به آلمان فدرال

رهبر جمهوری دمکراتیک آلمان " ایش هونکر " در ماه سپتامبر همزمان با سفری به آلمان فدرال بود. این اولین سفری که رهبر جمهوری دمکراتیک آلمان بعد از تشکیل آن ، به آلمان فدرال می باشد. سیاست ائتلاف حاکم در آلمان فدرال بر پایه اصلاحات یکپارچه کردن مجدد آلمان ، یعنی منحل کردن جمهوری دمکراتیک آلمان ، که سمبل پیروزی مبارزه طبقه کارگر علیه فاشیسم هیتلری است ، استوار ریشه یافته است. در قانون اساسی آلمان فدرال از " ملت آلمان " بصورت یکپارچه خواسته میشود که برای وحدت مجدد بکوشند. و دولت های دست راستی آلمان فدرال هیچگاه جمهوری دمکراتیک آلمان را بعنوان یک کشور برسمیت نمی شناسند حتی در مورد سفارت آن کشور در برلین ، واژه نما بندگی را بکار می بردند. مادر این سفر همه جا از " ایش هونکر " بصورت رئیس یک دولت استقبال و پذیرائی شد. این یعنی یک عقب نشینی برای آلمان فدرال (و همه میبایسیم) چون دیگر نه تنها بعنوان " دوفاکتو " بلکه بصورت رسمی موجودیت جمهوری دمکراتیک آلمان را پذیرفت. چنانکه در بیانیه مشترک دو دولت در پایان سفر آمده ، آرزو ها نمیتواند بروا قعیست تحمیل شوند و موجودیت دو کشور یک عمل انجام شده است .

ایش هونکر طی سفر خود از دگانش شهر " نوکیرشن " نیز بازدید کرد و در آنجا با سخنانی گرم و پر شور مبارزه سوسیالیسم برای صلح و علیه بربریت و فاشیسم سرمایه داری را مورد تأکید قرار داد. او گفت " خاک آلمان دیگر هرگز نباید منحل شروع جنگ علیه دیگران شود ... " و در مورد مرز بین دو آلمان گفت " آرزوی ماست که روزی این مرز بصورتی باز ، همانگونه که بین آلمان دمکراتیک و لهستان است ، درآید ! "

سفر هونکر به آلمان فدرال در محافل اجتماعی و سیاسی این کشور بعنوان مهمترین موضوع مسئله انگلیس و وسیع دشته و کلیه وقایع دیگر را تحت الشعاع قرار داده بود. علاوه بر تغییر در مناسبات دو آلمان ، این سفر تا شیر خود را بر روی مناسبات و مذاکرات موجود در مورد خلع سلاح نیز داشته است .

اخبار کوتاه خارجی

سازمان ملل : ادوارد شوارد زه ، وزیر خارجه اتحاد شوروی طی نطق مهی در اجلاس عمومی سازمان ملل در مورد موافقت نامه اخیر موشکهای میان برد و کوتاه برد گفت این موافقت نامه تاریخی که شامل برچیدن ۲۰۰۰ موشک با کلاهک هسته ای می شود برای اولین بار خواست خلع سلاح هسته ای را به واقعیت نزدیک می کند و باید بدنبال آن کاهش ۵۰ درصد موشکهای قاره پیما و حفظ قرارداد ضد موشکی (A B M) و نابودی سلاحهای شیمیایی انجام شوند . او همچنین گفت انقلاب اکتبر که بزرگترین واقعه قرن بیستم است نه تنها برای شوروی بلکه در سرنوشت بشریت تعیین کننده بوده است . بعد از این انقلاب دولت شورواها که با انواع فشارها و حملات مواجه شد مجبور به سرکوب گردید . شرایط بوجود آمده دلخواه نبود . پرویزهای بزرگ بدست آمد و اشتباهاتی هم صورت گرفت. هدف دولت شوروی از تجدید ساختار ، تحکیم هر چه بیشتر پرویزها و رفع اشتباهات و گسترش دمکراسی بر بنیاد سوسیالیست

لیستی جامعه است. او در مورد بحران خلیج گفت شرایط بعد خطرناکی رسیده و تراکم نیروی نظامی امکان گسترش درگیری بین دولت های خارج از منطقه را افزایش داده است. باید حد اکثر تلاش برای برقراری آتش بس بین ایران و عراق صورت گیرد .

نیکاراگوا : بدنبال قرارداد صلح دولت آمریکای مرکزی ، دولت نیکاراگوا از نیروهای مخالف خود جز " کنترا " که مسلحانه می جنگند ، دعوت به مذاکره کرد . ۱۵ حزب و گروه سیاسی به این مذاکرات می پیوندند . هم چنین دولت نیکاراگوا فعالیت روزنامه مخالف " لاپرتسا " و " رادیو کاتولیک " را که بدنبال اعلام حالت فوق العاده بحالت تعطیل در آورده بود ، آزاد اعلام کرد .

ویتنام : جمهوری سوسیالیستی ویتنام ۶۶۸۵ نفر از زندانیان این کشور که تا مل ژنرالها و افسران حکومت دست نداشتند قبلی نیز بوده است را آزاد نمود. این عده از بعد از بیرون رانده شدن آمریکا ثیان از ویتنام ، در اردوگاه های بازآموزی بسمی بردند .

نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را مشترک شوید

برای اشتراک " *Iskale* " ، ارگان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران و سایر نشریات ماهیانه ، نسیم را بپرد کرده ، (همراه با) رسید بانگی پرداخت هزینه اشتراک به حساب زیر با بانکی " در وجه حامل " به نشانی زیر ارسال نمائید .

نام نشریه	مدت اشتراک	اروپا	آمریکا و سایر نقاط با پست هوایی
<input type="checkbox"/> <i>Iskale</i> ارگان سیاسی سازمان	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۴ مارک ۲۶ "	۲۸ مارک ۵۰ "
<input type="checkbox"/> <i>RAH E KARGAR</i> راه کارگر انگلیسی	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۵ " ۱۰ "	۱۸ " ۳۶ "
<input type="checkbox"/> <i>میتا کت</i> ارگان کمیته کردستان	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۰ " ۱۵ "	۲۵ " ۵۰ "
<input type="checkbox"/> <i>کایا</i> ارگان کمیته بلوچستان	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۰ " ۱۵ "	۲۵ " ۵۰ "
<input type="checkbox"/> <i>پیام کارگر</i> ارگان کمیته خارج از کشور	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۰ " ۱۵ "	۲۵ " ۵۰ "

آدرس :

Postfach 650226
1000 BERLIN 65

شماره حساب بانکی :

H. Soltanzadeh
Deutsche Bank Berlin
Bankleitzahl - 10070000 -
Konto-Nr: 5208533

نام و نشانی کامل مشترک :

(لطفا تغییر نشانی تان را اطلاع دهید)

توضیح :

درستون سوم صفحه ۴ پیام کارگر شماره ۴ شعار قطع صد و سلاح به هرد و کشور به جای قطع صد و سلاح به ایران داده شد که بدینوسیله اصلاح می گردد .

اعتراض عفوبین الملل

به عدم پیا سخگوئی فقها

عفوبین الملل در خبرنا به سیتا میر ۷۸ در مقاله ای تحت عنوان "سوالات عفوبین الملل پاسخ نیاخته اند" به بی توجهی رژیم فقها نسبت به تقاضاهای ایسن سازمان بین المللی در مورد رعایت حقوق بشمسر اعتراض کرده است. عفوبین الملل می نویسد: از ماه ۸۷ که مبارزه آن سازمان علیه نقض حقوق بشو در ایران آغاز شد تاکنون هیچ پاسخی در مورد تقاضای گفتگوی رژیم ایران دریافت نداشته و برعکس گزارشات دیگری در ال برزیریا گذاشته شدن حقوق بشرواعد اموشکنجه زندانیان سیاسی و عقیدتبی دریافت داشته است. عفوبین الملل یکبار دیگر خواستار به اجراء آمدن پیشنهادات قبلی جهت رعایت حقوق بشر، از جمله محاکمه عادلانه و حقوق تجدید نظر و اشتن وکیل مدافع در محاکم، گردیده و اعلام داشته عدم پیا سخگوئی رسمی رژیم فقها در این مورد وجود داری از منظره مستقیم نشانگر ادامه نقض حقوق بشر و ایران و قصد رژیم فقها به ادامه چنین وضعی می باشد.

"هیروشیما، هرگز"

بنا به گزارش رفیق شازا استرالیا در تاریخ ۹ آگوست بال جاری طبق سنت هر ساله تظاهراتی به مناسبت سالگرد فاجعه اتمی هیروشیما در ملبورن استرالیا برگزار شد. این تظاهرات توسط دو اتحادیه "تلاش برای همکاری جهانی و خلق سلاح" و "فعالیت بر علیه پایگاههای نظامی" سازماندهی شده بود که دیگر سازمانهای چپ و مترقی استرالیا نیز در آن فعالانه شرکت کردند. ضمناً بیش از ۱۳۰ اتحادیه کارگری از تظاهرات امسال پشتیبانی کردند. در طول تظاهرات جزوات انگلیسی "تاریخچه سازمان" و "قطعنامه های جبهه ضد امپریالیستی و جبهه کارگری" و همینطور ۲۰۰۰ عدد اعلامیه درباره جنگ ایران و عراق بین شرکت کنندگان تظاهرات توزیع شد.

ترور روزنامه نگار

حسن صبرا، روزنامه نگار لبنانی که برای اولین بار ماجرای سفر مرک فارلین به تهران و ملاقات او با مقامات رژیم فقها را افشا نمود، روز دوشنبه ۴ سپتامبر در بیروت مورد سوء قصد قرار گرفت و زخمی شد. او اخیراً نیز ماجرای رشوه دو میلیون دلاری دولت آلمان غربی به "حزب الله" را که برای آزاد کردن یکی از گروگانهای آلمانی پرداخت شده بود افشاء کرده است. بنا به نظر مطلعین این ترور از جانب تروریستهای "حزب الهی" طرفدار جمهوری اسلامی در لبنان صورت گرفته است، قابل ذکر است که این روزنامه نگار از مسئولین مجله "الشراع" وابسته به جناحی از حزب الله (طرفدار مهدی هاشمی) بوده و این واقعه بنویسه خود انکاس در گریه های درونی فقها نیز می باشد.

با پیام کارگر همکاری کنید!

دانمارک - کپنهاک

هواداران سازمان در تاریخ پنجم سپتامبر ۱۹۸۷ در کپنهاک یک جلسه سخنرانی پیرامون "جبهه واحد دمکراتیک و ضد امپریالیستی" تشکیل دادند. در این جلسه بعد از صحبت های سخنران در مورد جبهه واحد دمکراتیک و ضد امپریالیستی که ۱/۵ ساعت طول کشید، به سئوالات حاضرین در جلسه پاسخ داده شد و تعدادی از حاضرین نظرات خود را پیرامون صحبت های سخنران ابراز داشتند.

برای تماس با سازمان از خارج کشور،
 باشماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳ - ۳۰ - ۴۹
 در برلین غربی تماس بگیرید. بدلیل
 کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط
 رژیم اسلامی، مطلقاً تحت هیچ شرایطی
 از داخل کشور با این شماره تلفن تماس
 گرفته نشود.

لیست کمکهای مالی

ب	۳۱۹	کرون
س	۳۱۹	"
پ	۲۱۹	"
ع - ر	۴۳۵	"
ب	۲۵۱	"
س	۲۵۲	"
پ	۲۱۹	"
محمد	۱۰۰۷	"
س	۶۱۴	"
ع - ر	۴۳۵	"
ب	۲۷۵	"
س	۲۷۵	"
ح	۶۱۳	"
پ	۱۸۱	مارک
الف	۶۳	"
م	۲۰۵	"
ف	۱۶۵	"
س	۱۸۲	"
ک	۶۶	"
خ	۸۰۰	"
ن	۱۹۰	"
الف	۱۵۲	"
ر	۸۲	"
نیما	۵۵	"
حبیب	۹۰	"
ب - ب	۴۰۰۰	لیو (ترکیه)

صدای کارگر

رادپوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

صدای کارگر هر شب از ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگا هرتز پخش می گردد.
 برنا مه هر شب، ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار می گردد.
 برنا مه ویژه روزهای جمعه از ساعت ۱۰ صبح پخش می شود.
 ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحمتمکشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمائید!

ALIZADI
 B.P. 195
 75564 PARIS - CEDEX 12
 FRANCE

آدرس پیام کارگر

POSTFACH
 650226
 1 - BERLIN 65